



### تأمین استقلال اقتصادی کشور...

پیش از صفحه ۱

موتاز و خطوط ارتباطی و مواصلاتی، که بسود امپریالیستها و بازار جهانی امپریالیستی بوده اختصاص داد.

طبیعی است که در برابر چنین رژیمی، چاره منحصر بفرد این بود که آن رژیم سرنگون گردد و با پیروزی انقلاب، رژیم روی کار آید که، ضمن توجه به مسائل دیگر، مسئله اساسی ایجاد صنایع سنگین مادر و ماشینساز، یعنی پرداختن به تولید وسائل تولید در داخل کشور را مسئله مرکزی سیاست اقتصادی خود قرار دهد. انقلاب پیروزنده ۲۲ بهمن ۱۳۵۷، به محروم داشتن ایران از اجرای سیاست مستقل صنعتی کردن کشور، که ایجاد صنایع سنگین و ماشینساز هسته مرکزی آن را تشکیل میدهد، پایان داد. پیروزی انقلاب، با برخوردار ساختن دولت انقلاب از استقلال سیاسی، به آن امکان میدهد که سیاست اقتصادی مبتنی بر تولید وسائل تولید در داخل کشور و صنعتی کردن اقتصاد ایران به معنی واقعی کلمه را به اجرا بگذارد.

همه مطالبی که به آنها اشاره کردیم، روشن و به یک معنی، توضیح واضحات است. یعنی اینکه مردم آگاه و انقلابی ایران به درستی می دانند که، اولاً یکی از سیاستهای امپریالیستی گذشته جلوتری از ایجاد صنایع سنگین مادر و ماشینساز در ایران بوده، که به وابستگی اقتصادی و از دست رفتن استقلال سیاسی انجامیده است. ثانیاً، پس از پیروزی انقلاب، مسئله اساسی و مرکزی سیاست اقتصادی دولت باید متوجه احیاء و توسعه سریع صنایع سنگین مادر و ماشینساز و اجرای سیاست اقتصادی تولید وسائل تولید در داخل کشور باشد تا هر چه سریعتر استقلال سیاسی، که در جریان انقلاب تحصیل شده، بر پایه استقلال اقتصادی، تحکیم گردد و پیروزی قلمی و نهایی انقلاب ایران و نیل به هدفهای عالی آن تأمین و تضمین شود. بویژه باید خاطر نشان ساخت که، در بررسی اوضاع گذشته، مردم ایران بیچون و چاره عقیده ندارند که اقدام به سرمایه گذاری هر چند محدود - در صنایع سنگین مادر و ماشینساز - کار نادرستی بوده است. بکس، عقیده مردم اینست که، آن رژیم، بعزت وابستگی و سرسپردگی، در این امر مهم خیانت کرده، و از ایجاد و توسعه صنایع سنگین و ماشینساز، چنانکه باید و شاید، چنانکه امکانات مالی ایران اجازت میداد، دستور دول امپریالیستی و بخاطر تأمین منافع آنان و سرمایه داری وابسته، خودداری کرده است.

**ارزنجاری وزیر صنایع و معادن از سیاست صنعتی کردن**

با چنین توضیحاتی، وقتی آقای همتزاده، وزیر صنایع و معادن، در مصاحبه خود بطور کلی سرمایه گذاری در ایجاد صنایع و معادن را در گذشته مردود می شمارد و وجود صنایع سنگین مادر و ماشینساز را باری بردوش دولت انقلاب می داند و اظهار می دارد:

**«بهر حال ما این را به ارث بردیم. اگر خودمان می خواستیم برنامه ریزی کنیم، یقیناً برای این کار، از جایی شروع می کردیم که تکنولوژیهای پر امان آشنا بود. از کوچک شروع می کردیم و بتدریج خودمان را کاملتر و مدرن تر می کردیم. موجب تأسف و توبیخ است. این برخورد نشان میدهد که مسئله مرکزی سیاست اقتصادی، که تأمین استقلال اقتصادی کشور در گرو اجرای سیاست متأسفانه برای مسئولین ناشناخته است. علاوه اصولاً استنتاجات آقای همتزاده از سیاست اقتصادی رژیم گذشته اشتباه آمیز و حتی عملاً تیره کننده است.»**

چنانکه گفتیم، در زمینه سیاست اقتصادی، خیانت رژیم شاه و سرمایه داری وابسته آن بود که به ایجاد واقعی صنایع سنگین و مادر نپرداخته، از استفاده از امکانات بین المللی و داخلی (درآمد های عظیم نفت) امتناع کرد و جز میلی ناپسند به صنایع سنگین سرمایه گذاری نکرد. ولی امانی آقای همتزاده، وزیر صنایع و معادن اینست که:

**«رژیم گذشته نقش وسیعی برای پایه گذاری صنایع سنگین و معادن داشت. و در گذشته این حالت بلند پروازانه بود.»**

درست بکسی این ادعا، رژیم تکنیک پهلوی پدر و پسر، تا آنجا که در توان داشته، دستور دول امپریالیستی، با ایجاد صنایع سنگین و مادر در کشور ما مخالفت نکردند. آنچه در این زمینه صورت گرفت - که کار بسیار اندکی است - علیرغم میل آنان و در نتیجه تهاجم مردم و نیروهای انقلابی و خواستهای مبنی رشد اقتصادی در خود کشور بود. در مدت ربع قرن تسلط رژیم کوتاه بر ایران، کشورهای زیادی در جهان از وضع کشور دارای تولید عقب مانده کشاورزی خارج شدند، به صورت کشور دارای صنایع سنگین و مادر درآمدند و به معنی واقعی کلمه، صاحب اقتصاد مستقل صنعتی - کشاورزی شدند. این کشورها حتی قادرند آمد نفت و امکانات مشابه آن در ایران بودند. لیکن کشور ما همچنان در عقب ماندگی کامل باقی نگاه داشته شد و با وجود دارا بودن صدها میلیارد دلار درآمد نفتی، جز چند واحد صنعتی نیمه تمام، مانند ذوب آهن و ماشین سازی، که آن نیز به برکت کمکهای فنی و اقتصادی کشورهای سوسیالیستی ایجاد شده، صنعت مادر و سنگین دیگری در ایران ایجاد نشده. چگونه می توان سیاست آگاهانه جلوگیری از رشد صنایع سنگین و مادر را، که رژیم گذشته، دستور امپریالیسم، سرکردگی آمریکا، به اجرا گذاشته، تا کشور ما را در عقب ماندگی و وابستگی کامل نگاه دارد، «نقش وسیع برای پایه گذاری صنایع سنگین و معادن» نامیده این سوالی است که آقای همتزاده باید آن را روشن کند.

**وزیر صنایع و معادن پرداختن به صنایع کلیدی را هسته مرکزی سیاست اقتصادی تلقی نمی کند**

لیکن تنها در ارزیابی گذشته نیست که سخنان وزیر صنایع و معادن در زمینه ارزیابی از سیاست اقتصادی، ایجاد نگرانی و توبیخ می کند. در آنچه که مربوط به وظایف کنونی وزارتخانه ای نظیر صنایع و معادن است، نیز اظهارات آقای همتزاده جای حرف بسیار باقی می گذارد.

قبل از همه اینکه، ایشان سرمایه گذاری در صنایع سنگین و مادر را ضروری تلقی می کنند و اظهار می دارند که بهر جهت «چهارم از تکمیل شدن تقاریر... اگر به قسمت قبلی صحبتایمان، که می گویند: «اگر ما بودیم، از کوچک شروع می کردیم» (در ما قبلاً به آن اشاره کردیم)، بر گردیم، اینطور تصدیق بدهن می شود که، اصولاً وزیر صنایع و معادن به مسئله پرداختن به صنایع بزرگ و سنگین، بعنوان هسته مرکزی سیاست دولت انقلاب اعتقادی ندارد. بنظر ایشان نه به صنایع سنگین و مادر، که به صنایع کوچک باید پرداخت، آنهم در کشور و در شرایطی که به عنوان کوچک باید تنها در یک واحد صنعتی نظیر تراکوساز، تیریز، «یک ریخته گری ۴۰ هزار تنی و نیمه کاره داریم، که اگر راه یافت، هم می تواند موتور تراکتور بسازد و هم موتور بوسی اتومبیل های سواری را...» در اینجا باید گفت که، وزیر صنایع و معادن، در حالیکه به عظیم بودن اقتصاد صنعتی ایران در شرایط حاضر اعتراف می کند و تذکر می دهد که: «صنعت ما بهر نوعی است از نظر سرمایه گذاری بیش از ۴۰۰ میلیارد تومان، حدود بیش از دو میلیون نفر جمعیت و نزدیک به ۴۰ هزار مدرسه» در همان حال متأسفانه کلید ادار دست این صنایع را بدمت نیارده است. وزیر صنایع و معادن، بجای آنکه از صنعت صنایع کونی ایران بدرستی چنین نتیجه گیری کند که، باید به جلو حرکت کرد و با تکیه بر ایجاد صنایع سنگین و مادر و در اولویت قراردادن پیشرفت سریع آن، توجهات تأمین استقلال اقتصادی را هر چه زودتر فراهم آورد، در برابر این اظهار مشکل، بعلت «صلابت خامی» آن، خجالی می کند و با این اطمینان که: «بنابراین تغییر این نظام بزرگ هیچچه در کوتاه مدت خیلی مشکل است. صلابت خاصی نداریم. به صنایع کوچک رو می آوردا وی مدیران صنایع بزرگ را بحال خود می گذارد و به آنها چنین خطاب می کند:

**«توجه ما در شرایط فعلی به مدیرانمان اینست که... آنگاه که می تواند صرفه جویی کند... و ببیند اگر دوازدهای مملکت صد درصد بسته باشد، چه می تواند بکند، تا بتواند روی پای خودش بایستد.»**

چنانکه دیده میشود، از جانب آقای همتزاده، عملاً حکم متوقف ساختن صنایع بزرگ به مدیران توصیه شده است، زیرا وقتی دوازدهای مملکت روی صنایع بزرگ، که یقیناً احتیاج به تکنولوژی دارند، صد درصد بسته باشد، آنها چه می توانند بکنند، جز اینکه این صنایع را متوقف سازند و حکم نابودی این صنایع را صادر کنند!

بدینسان، گرچه جای تأسف و توبیخ فراوان دارد، امیدیه می شود که وزیر صنایع و معادن، که درست وظیفه وی تأمین پیشرفت سریع صنعت در ایران پس از انقلاب، آنهم با بذل توجه عمده به پیشرفت صنایع سنگین و مادر است، با مصاحبه های خود، عملاً دستور توقف این صنایع را صادر می کند و توجه به صنایع کوچک را مسئله اساسی قلمداد می نماید.

صنایع کوچک، چنانکه می دانیم، در حیطه فعالیت بخش خصوصی است و صنایع بزرگ در حیطه فعالیت بخش دولتی.

### مانور نظامی آمریکا...

پیش از صفحه ۱

امپریالیسم آمریکا در عمان، هوائی و دریایی جدیدی تاسیس نموده طبق نقشه های وزارت امور خارجه و وزارت دفاع آمریکا مسئله تشکیل پیمان نظامی از کشورهای این منطقه مطرح گردید و همکاریهای نظامی میان رژیمهای ضد خلقی و وابسته مانند فرستادن سوری اردن، عمان، مصر و پاکستان گسترش یافت. طبیعی است که همه این اقدامات سیاسی و نظامی تهرید مستقیم است علیه جمهوری اسلامی ایران و کشورهای عضو جبهه پایداری و یکی از مهم ترین هدفهای آن جلوگیری از رشد و گسترش جنبشهای رهایی بخش خلقها در این منطقه است. با توجه به اظهارات مقامات رسمی آمریکا در مورد سیاست خارجی و استراتژی سیاسی نظامی آمریکا مانور نظامی آمریکا در عمان پدیده خطرناک و جدیدی است که بی تردید، همای های یک درگیری مسلحانه گسترده در این منطقه را دربر داشته باشد. کارتر رئیس جمهور پیشین آمریکا دکترین جدیدی را در سیاست خارجی آمریکا اعلام نمود که بموجب آن بسیاری از مناطق جهان بویژه این مناطق که از لحاظ منابع انرژی و یا موقعیت استراتژیکی اهمیت دارند «در برهمنیت منافع آمریکا» بشمار میروند، و در صورتیکه خطری این تحریم امنیت منافع

آمریکه را تهدید کند، دولت آمریکا «دوچاره» پانوی مسلح از آنجا دفاع نماید. از سوی دیگر کارشناسان نظامی آمریکا نظریه جنگ هسته ای محصوره را بیان کشیدند و بنوعی آمریکا توصیه کردند که در درگیریهای منطقه ای میان از سلاح هسته ای استفاده نمود (نظیر از درگیری های منطقه ای سرکوبانقلاب و جنبشهای رهایی بخش ملی در مناطق مختلف جهان است) از سوی دیگر ریگان رئیس جمهور جدید آمریکا در نخستین روزهای رسیدن به مقصد ریاست جمهوری، جنبشهای رهایی بخش خلقها را عملیات «هر رستی» نامید و اتحاد شوروی را که به این جنبشها کمک میکند به پشتیبانی از «تورسیم بین المللی» متعهد نمود. بدین ترتیب با اعلام یک چنین مواضعی از جانب مقامات رسمی دولت آمریکا در مورد برخورد دولت آمریکا با استقلال کشورها و خلقها و جنبشهای رهایی بخش در مناطق مختلف جهان - از خاورمیانه تا آمریکای مرکزی - مشاهده میشود که امپریالیسم آمریکا تجاوز نظامی و مداخله سلطه را بعنوان سیاست رسمی دولت اعلام نموده و آنرا عملی میسازد.

مانور نظامی ارتش آمریکا در عمان که ادامه تدارکات جنگی گسترده ایالات متحده آمریکا در این منطقه است اقدام تحریک آمیز جدیدی علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران و دیگر کشورهای مستقل ملی این منطقه است. امپریالیسم آمریکای غربی در

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران توسعه سریع بخش دولتی را مقرر میدارد و برای بخش خصوصی، در نظام اقتصادی پس از انقلاب، نقش کمکی و فرعی قائل است. لیکن، چنانکه از مصاحبه وزیر صنایع و معادن مستفاد می شود، ایشان توجه به صنایع کوچک، یعنی به بخش خصوصی را در اولویت قرار می دهند و در این زمینه توصیه های جالبی هم ارائه می دهند. از جمله آنکه، ایشان اقدام مستقیم اقتصادی را برای تأمین مواد اولیه کارخانجات، کار درستی میدانند و معتقدند که در این کار باید دولت تنها جبهه قدرت داشته باشد و «کارگاههای کوچک... مواد اولیه مورد نیازشان را وارد و مستقیماً بین تولید کنندگان آن رشته توزیع کند، که همه وجهه به معنی حمایت یک جانبه از بخش خصوصی بیزان بخش دولتی است. آنجا که مسئله صنایع بزرگ سنگین و مادر، یعنی صنایع دولتی مطرح است، آقای وزیر صنایع و معادن به مدیران توصیه «صرفه جویی» می کند و می گوید که مدیران کار خودشان را بر این اساس که در دوازدهای مملکت صد درصد بسته باشد، بکنند. اما آنجا که پای بخش خصوصی در میان است، ایشان از جایی کامل برای واردات این بخش از خارج را خواستار میشوند و از دخالت ستاد بسیج اقتصادی را در تأمین مواد اولیه کارخانجات غیر ضرور و کار نادرستی می شمارند. آیا چنین برخوردی توجیب آور و تأسف انگیز نیست؟

### تأمین استقلال اقتصادی کشور، تنها با ایجاد صنایع بزرگ و سنگین امکان پذیر است

متوقف نگذاشتن احیاء و توسعه صنایع بزرگ و سنگین و مادر در دوران پراز پیروزی انقلاب، عامل اصلی کاهش تولید داخلی، تشدید بیکاری و تصان درآمد ملی است. دول امپریالیستی هم با محاصره اقتصادی و امتناع از فروش تکنولوژی به ایران، قصد تخریب و انهدام صنایع ملی ما را دارند. ولی از این نباید نتیجه گرفت که پس صنایع بزرگ سنگین بدرمان ما منحصر و باید به صنایع کوچک رو آوریم، زیرا اولاً تأمین استقلال اقتصادی جمهوری اسلامی ایران تنها و تنها بر اساس رشد و توسعه همه جانبه صنایع بزرگ و سنگین و مادر - که بنا به اعتراف وزیر صنایع و معادن امکانات زیادی هم برای پیشرفت آن در اختیار داریم - امکان پذیر است. ثانیاً رشد صنایع کوچک، بدون داشتن صنایع بزرگ و سنگین و مادر - چنانکه تجربه گذشته نشان میدهد - جز عقید ماندگی و وابستگی نتیجه دیگری نداشته و نتواند داشته. ثالثاً تکنولوژی را میتوان و باید از هر کشوری که به استقلال روحانیت ما احترام بگذارد و مناسبات برابر حقوقی قرار دهد، بدمت آورد. در شرایط کنونی جهان چنین کاری ممکن است.

ما امیدواریم که مقامات مسئول کشور، و قبل از همه و بیش از همه وزارت صنایع و معادن، به مسئله گرهمی مرحله کونی رشد اقتصادی جامعه و یکی از مسائل اساسی انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی، یعنی تأمین رشد سریع و همه جانبه صنایع بزرگ و سنگین مادر توجه جدی و اساسی مبغول دارند و با اتخاذ تدابیر لازم در این زمینه، قاطعانه در راه تأمین استقلال اقتصادی ایران و تضمین پیروزی قلمی و نهایی انقلاب کام بردارند.

تدارکات جنگی و توطئه های نظامی علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، رژیمهای ضد خلقی و وابسته به آن در این منطقه از نخستین روز پیروزی انقلاب و استقرار نظام جمهوری اسلامی ایران از هیچیک میکند تا یا استفاده از امکانات خود در نواحی مختلف ایران دست به توطئه و عملیات تخریبی بزنند. همین چندینوش اخیراً در مورد عملیات توطئه گرانه در استان بلوچستان که از جانب پاکستان و عمان انجام میگردد انتشار یافت. رژیمهای ضد خلقی و وابسته به پاکستان و عمان دستور ازبایان خود تلاشهایی بکار میروند تا در این استان عناصر ضد انقلابی را مسلح و متشکل کنند و با ایجاد اختلاس و جنگ داخلی در این استان، پایگاهی برای تلم نیروهای ضد انقلابی تشکیل دهند و جهت مداخله نظامی علیه جمهوری اسلامی ایران شرایط مساعدی فراهم آورند.

مانور نظامی ارتش آمریکا در عمان، بر زمینه چنین اقداماتی، آشکارا عمل تحریک آمیز و ماجراجویانه ایست علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران. در این صورت مقامات رسمی وزارت گناهی مسئول جمهوری اسلامی ایران موظفند نسبت به اقدامات ماجراجویانه امپریالیسم آمریکایاواکش جدی نمایند و از هم مفرق از جمله سازمانهای بین المللی و ایجاد هماهنگی با کشورهای عضو جبهه پایداری و بیان اعتراضات رسمی دولت، با قاطعیت، این اقدامات را محکوم و خواستار قطع آنان شوند.

تجارب دوران دوساله پس از سازند

# مذاکره‌داریم تا مذاکره

## پروتکل مذاکرات محرمانه دولت موقت با بوزنیسکی را منتشر کنید!

### سفسطه افشا شده

و اما در مورد نحوه تیرتیرجوشی لیرالها، که استدلال میکنند: چون «بطور کلی هر نوع ملاقات و مذاکره با دشمن يك ذنب لایفزه نیست، پس مذاکره محرمانه با بوزنیسکی نیز مجاز بوده و قابل ایراد نیست و توده‌ایها و دیگران بی‌جهت با این مذاکرات مخالفت کرده‌اند، باید گفت که این استدلال جز يك ریاکاری بازاری چیز دیگری نیست و ما قریب یکسال پیش، در بحثی در همین مورد با لیرالها، در مقاله‌ای زیر عنوان «مذاکره داریم تا مذاکره»، آنرا فاش ساخته‌ایم. قطعاتی از همین مقاله را بازگو کنیم، تأییدش معلوم شود که لیرالها عمداً خود را «بگوچه علی‌چه» می‌زنند و آگاهانه و نه از روی جهالت، برای استتار غرض خود، به خلط می‌چسبند.

در آن مقاله (که در شماره ۹ اسفند سال گذشته، در نامه «مردم» انتشار یافته) از جمله چنین می‌خوانیم:

«میگویند: چون مذاکره بتودی خود عیبی ندارد و اصل مذاکره را هیچکس نمی‌تواند رد کند پس آن مذاکرات نیز قابل ایراد نیست. (در اینجا سخن از مذاکرات محرمانه است که نمایندگان «نفیست آزادی» با مقامات رسمی و غیررسمی آمریکائی قبل از انقلاب انجام می - داده‌اند) اینان با تکیه بر يك اصل کلی درست، يك نتیجه مشخص غلط میگیرند. این سفسطه است.»

اصل مذاکره را در واقع هم کسی نمی‌تواند رد کند ولی مذاکره داریم تا مذاکره. مذاکره در چه شرایطی، مذاکره از جانب چه کسی یا چه کسی، مذاکره بر مبنای کدام موضعگیری، مذاکره برای رسیدن به کدام هدف؟ اینها را باید مشخص کرد و سپس نتیجه گرفت که: آیا مذاکره مفید است یا زیانبخش؟ مذاکره از موضع انقلابیست یا از موضع سفاکانه است یا رسیدن به مصالحه‌ای برای تمرکز کردن انقلاب و حفظ مواضع قابل حفظ. دشمن انقلاب.

«برای توجیه این مذاکرات (محرمانه) یا مقامات آمریکائی نمایندگان خط «گام بگام» مثال می‌آورند و می‌گویند:

«مران نفیست آزادیبخش الجزایر، وقتی فرانسه را در میدان مبارزه مسلحانه به نیست کشاندند، راه حل قطعی، یعنی پایان سلطه استعماری فرانسه را بر الجزایر از پست‌میز مذاکرات در اوپان، یعنی در خاک فرانسه بسا استعمارگران تنظیم کردند.»

«این قیاس مع‌الفرق است. مران نفیست آزادیبخش الجزایر اولاً مذاکره را وقتی شروع کردند که فرانسه را در میدان مبارزه مسلحانه به نیست کشاندند و نه در زمانی که هنوز سرنوشته جنگ معلوم و فرانسه امیدوار باقیه سلطه استعماری خود از طریق مصالحه بود. ثانیاً این مذاکرات را از موضع قاطع انقلاب پیروزمند انجام دادند. ثالثاً هدف از مذاکرات، تنظیم نحوه خروج نیروهای مسلح فرانسوی و برچیدن سخره استعمار و استعمارگران از الجزایر بود. این مذاکرات، که فرانسه اجباراً به انجام آن قی در دادند، چنانکه میدانیم و معلوم است، منجر به پاکسازی خاک الجزایر از وجود نیروهای مسلح استعماری فرانسه، منجر به خروج فرانسویان استعمارگر از الجزایر گردید. استقلال الجزایر که با جنگ ضد استعماری آزادیبخش الجزایر تأمین شده بود، بوسیله این مذاکرات و استنادی که در آن باضافه طریق رسیدن قوت قانونی یافت.»

«این مذاکرات چه ربطی دارد به مذاکرات «محرمانه» نمایندگان بورژوازی لیرال ایران یا بیرون خط «گام بگام» با نمایندگان آمریکا، که هدفش در مراحل مختلف، شکایت از خشونت «علیهضرت»، وادار کردن «معتلم» به رعایت قانون اساسی، توفیق سلطنت به ولیعهد یا شورای سلطنتی و بالاخره حفظ رژیم منهای شاه یا

و تقاضای ملاقات کنند، مطالعه می‌کنیم... آن مفسر مآبی سیاسی که ما با هیچ‌خارجی تملس نگیریم، می‌داند مردم بگویند که اینها با خارجی‌ها حرف می‌زنند، من این را تصدیق می‌دانم و... گروهی را که به این ضعف دچار باشد، دارای عزت و توانائی و قدرت برخاسته از توحید و ایمان به خدا نمی‌بینم...»

پس طبق این نقل‌قولی که خود «میزان» در همان مقاله، از دکتر پهبشتی آورده، اگر مخالفتی با مذاکرات دولت موقت با بوزنیسکی شده، نه بر مبنای مخالفت با هرگونه مذاکره‌ای، بلکه به این دلیل بوده است که این مذاکرات محرمانه، بدون اعلام قبلی و حتی بدون اطلاع امام خمینی و با «جنبه تباہی و سازش» با آمریکا انجام گرفته است.

ولی «میزان» (بیخون لیرال) چنان در تقلا برای آرایش خویش است که حتی نمی‌تواند توجه کند که با آن نقل‌قول، سند محکومیت خود را ارائه میدهد، و چون تنها به قسوی می‌برد و خوشحال بر میگردد که گویا روحانیت مبارز بیرون خط امام را تخطئه کرده است، آنکه، طبق معمول، به سراغ «توده‌منشی‌ها» می‌آید!

می‌نویسد: «رسمی است اگر بطور کلی هر نوع ملاقات و مذاکره‌ای با دشمن يك ذنب لایفزه است، چرا توده - منشی‌ها با علاقه از پیشینه ملاقات مذاکره آتاشاهی وزیر خارجه پاکستان با دولت افغانستان که آنها ابراز خوشحالی میکنند، بلکه اصرار دارند که ایران هم در آن مذاکرات شرکت کند! چگونه است که اگر مسئولین ایران با سران پاکستان سخن بگویند، گناه ناخوشودنی مرتکب شده‌اند و اما اگر سران افغانستان با سران پاکستان به گفتگو بنشینند، نه تنها ایرادی ندارد، بلکه این درخور ستایش خواهد شد و در جهت «صلح جهانی» تلقی میگردد» و کمی قبل از این سطور: «آیا گویندگان و مدعیان چنین بیانی (رد هرگونه مذاکره بطور کلی) بیرون مکتب مارکسیسم هستند؟ اگر چنین است، آیا در حرکتی کمونیستی دنیا، در ویتنام، در کوبا، در سایر نقاط جهان چنین ملاقاتها و مذاکرات میان کمونیستها و دشمنانشان صورت نمی‌گیرد؟

شکفتا، لیرالها هم از روحانیون مبارز بیرون خط امام «مکتبی» ترند و هم از حزب توده ایران (با مصلاح آنها توده خنثی‌ها) «مارکسیست» تر! ولی در واقع اینان دن کیشوت‌های سیاسی ما هستند که به جنگ آسیاب پادی تخیلی خود میروند و بیروزمند بر میگردند. تقاب ریا از چهره آنها برداریم.

### دو نکته

ولی قیلا دو نکته درباره اصطلاح دشمن‌آمیز «توده - منشی» است. اولاً، این نکته که اگر توده‌ایها «توده - منشی» بودند، یعنی ظاهری توده‌ای و باطنی سازشکار با امپریالیسم داشتند، در این صورت دقیقاً از جنس لیرالها می‌بودند و در نتیجه نه فقط هدف خصومت‌کین‌توزانه لیرالها واقع نمی‌شدند، بلکه بر سر آنها جای داشتند، چنانکه مائوئیستها و همه دیگر «مارکسیستهای» ضد مارکسیست و همه «کمونیستهای» آمریکائی، روح و روان لیرالها و جان شیرین آنها هستند. ثانیاً لیرالها نمیتوانند روزی هزار بار ورد «توده - منشی» بگویند، شب و روز به توده‌ایها فحش و ناسزا بگویند، هر آنچه خود دارند به توده‌ایها نسبت دهند، ولی ایمن «دفاع» بیهوده و تلاش مذبحخانه عیبی است، زیرا هرگز این درمان درد بی‌درمان آنها نخواهد بود و هرگز بدین وسیله نخواهند توانست خود را، برخلاف آنچه که هستند، بنمایانند. و آنچه که هستند و بدرستی از طرف مردم ایران، از جمله طرفداران خودشان، شناخته شده‌اند، چیزی نیست جز «جاده‌صاف‌کن» ضد انقلاب و امپریالیسم، به - سرکردگی آمریکای سلطه‌گر و غارتگر و جنایتکار!

روزنامه‌خوانانی که ضمناً روزنامه «میزان» (ارگان مطبوعاتی لیرالها) را نیز می‌خوانند، میدانند که این روزنامه، پس از حل شدن مسئله «گروگانها»، زیر عنوان «آزادی گروگانها» به نشر مقالاتی متصل پرداخته، (حیف کافز) با دو هدف مشخص: یکی تخطئه نحوه حل مسئله «گروگانها» و بدین وسیله، خیال خود، تصویف دولت جمهوری اسلامی ایران، و یکی تیرتیر سیاست و عملکرد دولت موقت و بدین - وسیله، خیال خود، بزرگ کردن راه پسرای بروی کار آمدن مجدد لیرالها، یعنی همان دولت عاقل و معتدل و میانه‌روی، که هر ریگان و شرکته درانتظار تجدید حیات آن تپسته‌اند و ساگر دقیق‌تر بگوئیم برای تجدید حیات آن فعالیت میکنند!

ما نیازی نمی‌بینیم که این رشته مقالات را جداگانه خلاصی کنیم (حیف وقت). ولی بیجا نمی‌دانیم که شماره دوازدهم این رشته مقالات را مورد بررسی قرار دهیم، تا یکبار دیگر نشان دهیم که این لیرالهای «تتریمی»، تروسو هستند و این مدعیان صداقت، مزورند و خط سیاسی آنها همان «خط بوزنیسکی» است.

انتخاب مقاله دوازدهم این رشته مقالات، از اینجهت است که در آن، مسئله مهم مذاکرات هیئت سه‌نفری دولت موقت (بازرگان - یزدی - چمران) با بوزنیسکی (درالجزایر) مطرح شده و لیرالها سخت در تلاشو کوششند، تا با این استدلال که «نفی» مذاکره قابل ایراد نیست و مذاکره با دشمن نیز حرام نیست، میخواهند مذاکره محرمانه با بوزنیسکی را امری عادی و حتی به صلاح ملت و انقلاب، جایزند و از آن بالاتر، حتی خود را نوعی ضد امریکائی معرفی کنند. والا همه مقالات این رشته مقالات، تقاضی است برای نقد کردن سکه تقلبی سیاست و عملکرد دولت موقت لیرالها، که از شرکت در انقلاب «بشمار» بودند و هستند. سه‌ماهه باره‌بار غلط کرده بودند، که در انقلاب شرکت کرده‌اند؛ فغان بر می‌آوردند که آقا هم ماشاءالله ما را کلاه کرده‌است؛ ما معتقد بودیم و هستند که «صون و ایستادگی بودیم؛ بناچار باید با ایستادگی» استقلال را اصولاً نامسکن میدانند، همه کشورهای جهان را وابسته و زیر سلطه معرفی میکنند، تا وابستگی و زیر سلطه قرار گرفتن ایران را امری ناگزیر و طبیعی وانمود سازند؛ کوشیده و میکوشند که مانع برقراری مناسبات حسنه با کشورهای جنبه ضد امپریالیستی (از جمله) و بویژه اتحاد شوروی) - حامیان انقلاب و جمهوری اسلامی ایران - گردند، تازه برقراری مناسبات وابستگی و زیر - سلطه را با کشورهای امپریالیستی (از جمله و بویژه آمریکا) بکشایند والی آخر.

در مقاله دوازدهم این رشته مقالات، که به تیرتیر انجام مذاکرات محرمانه با بوزنیسکی اختصاص یافته (که نمونه‌وار است)، نویسنده ابتدا سعی کرده است امر واضحی را «توضیح» دهد که «نفی مذاکره» قابل ایراد نیست، تا سپس «اثبات» کند که، مذاکره محرمانه با بوزنیسکی نیز نمی‌تواند قابل انتقاد باشد.

می‌نویسد: «میگویند که نفی ملاقات بسا بوزنیسکی حرام بوده است» و بدینال این نسبت دروغ به افرادی مجبور، ریاکارانه سؤال میکنند: «اولاً بر اساس مبارزات مکتبی، آیا چنین ملاقاتهایی ممنوع است؟ آیا پیامر و امامان ما با خصم و رهبران خصم ملاقات و مذاکره نمی - کرده‌اند؟ آیا آنها خود به ملاقات خصم نمی‌رفته‌اند و یا اگر آنها بدیدارشان می‌آمدند، آنها را نمی - پذیرفته‌اند؟»

ظاهر این پرسشها خطاب به روحانیون مبارز بیرون خط امام، عنوان شده، تا چنین وانمود شود که گویا آنها با هرگونه مذاکره مخالف بوده‌اند، که نادرست است و «مکتبی» نیست.

اما از آنجا که مع ریاکار باید باز شود، در همان مقاله، درجای دیگر و به منظور دیگری، سخنان آیت‌الله دکتر سید محمد بهشتی نقل شده در پاسخ به این سؤال موزیانه که: «آیا این صحیح است که شما با هویر آمریکائی تملس داشته‌اید؟»

آیت‌الله دکتر سید محمد بهشتی، ضمن تکذیب این «تلمس»، اعلام مخالفت میکند بسا ارتباط و مذاکراتی که «جنبه تباہی و سازش» با آنها (شرق و غرب) داشته باشد، و می‌افزاید: «اما اگر آنها بخواهند با ما ارتباط بگیرند

مشرطیت بدون شاه بوده است. ... نمایندگان خط «گام بگام» مثال می‌آورند و می‌گویند:

«وقتی آمریکا می‌خواهد خودش را از امر که جنگ ویتنام خلاص کند، سرنوشته ویتنام‌جویی و رژیم وان‌تیو را در پاریس یا هونگ‌تو و خاتمینه نمایندگی ویتنام شمالی مطرح میکنند.

«ولی آقایان مدافع مذاکرات خط «گام بگام» باید بدانند که اگر هدف آمریکا از مذاکرات خلاص شدن از معرکه ویتنام بود، هدف این مذاکرات از جانب ویتنامیا نحوه اخراج نیروهای مسلح آمریکائی از ویتنام، سپردن سرنوشته رژیم وان‌تیو بدست خلق ویتنام و قطع هرگونه دخالت آمریکا در امور داخلی ویتنام بود. نتیجه مذاکرات هم، پس از کشمکش‌های طولانی، چنان شد که ویتنامیا آنرا پذیرفتند، ولی آمریکا آنرا تقصیر کرد و چون تقصیر کرد، خلق ویتنام، آمریکا و رژیم مست‌نشاندهاش را همچون موش مرده از ویتنام بیرون انداختند.»

«این مذاکرات، نحوه برگزاری آن و نتیجه آن، چه وجه اشتراکی یا مذاکرات «محرمانه» نمایندگان خط «گام بگام» با نمایندگان آمریکا در ایران دارد؟»

«این دیگر از آفتاب روشنتر است که دو خط، چه قبل و چه بعد از پیروزی نخستین مرحله انقلاب (سقوط رژیم شاه مخلوع) در برابر یکدیگر قرار گرفته‌اند: یکی خط امام، یعنی خط قاطع ضد امپریالیستی و خلقی، خطی که استقلال ایران را در تمام ابعاد آن بطور کامل میخواهد، خطی که نوسازی ایران را بدون مستضعفین مسالطه و دیگری خط «گام بگام»، خط سازش و مصالحه با امپریالیسم، خطی که استقلال ایران را فقط بطور نسبی و نیم‌بند امکان‌پذیر میدانند، خطی که نوسازی را نه به سود مستضعفین، بلکه به سود بورژوازی لیرال می‌طلبد.»

«چنین است محتوای مسئله. دوا و مبارزه بر سر محتوای این دو «خط» است، و الا مذاکره را بطور کلی هیچکس نمی‌تواند منتها مذاکره داریم تا مذاکره.»

اینجا قطعاتی بود از مقاله‌ای که قریب یکسال پیش در توضیح «مذاکره داریم تا مذاکره» منتشر کردیم و سفسطه لیرالها را، که در تیرتیر مذاکرات محرمانه و سازشکارانه خود با نمایندگان آمریکا مطرح ساخته بودند، افشا و رد کردیم.

ولی گوش لیرالها قدرت شنیدن حرف‌هایی ندارد. در مقاله شماره ۱۲ «میزان» با عنوان «آزادی گروگانها»، درباره یا همان سفسطه در رسد تیرتیر انجام مذاکرات محرمانه و سازشکارانه بر آسوداند، که این بار با بوزنیسکی (بقول خودشان) نمایندند جناح فتنیستی هیئت حاکمه آمریکا) داشته‌اند.

### مذاکره با افغانستان

لیرالها از ما سؤال میکنند که: چرا ما با مذاکره با افغانستان موافقیم، ولی با مذاکراتی که با بوزنیسکی صورت گرفته، مخالفت کردیم. اگر می‌توان مذاکره کرد پس مذاکره با بوزنیسکی نیز ممانی نداشته است، و اگر نمی‌توان و نباید مذاکره کرد، پس با افغانستان هم نباید مذاکره کرد!

ولی نظر ما معلوم است. ما معتقدیم که باید با افغانستان مذاکره کرد. اگر درست است که جمهوری اسلامی ایران خواستار خروج نیروهای شوروی از افغانستان است؛ اگر درست است که افغانستان رسماً اعلام داشته که اگر خطری از خارج او را تهدید نکند، نیروهای شوروی از افغانستان خارج خواهند شد؛ اگر درست است که آمریکا و چین بدست رژیم ضیاع‌الحق درامور داخلی افغانستان مداخله، آنهم مداخله مسلحانه می‌کنند؛ اگر درست است که اتحاد شوروی رسماً اعلام داشته است که در صورت رفع خطر از افغانستان درخواست افغانستان، نیروهای خود را خارج خواهد کرد؛ و اگر درست است که ما طبق قانون اساسی نباید درامور داخلی دیگر کشورها مداخله کنیم، پس بنظر ما لازماًست که باید با دولت افغانستان به مذاکره نشست، در موضع قطع مداخله مسلحانه درامور داخلی افغانستان قرار گرفت، در نتیجه، خروج نیروهای شوروی را از افغانستان به مرحله اجرا گذارد، در غیر این صورت، یعنی در صورت خودداری از مذاکره با افغانستان تأمین عدم مداخله مسلحانه در امور داخلی این کشور، بقیه در صفحه ۶

### کارخانه‌ها باید از وجود ضدانقلاب کارگر نما پاساژی شوند

چندی پیش یکی از کارگران بنام "بخش پور"، که حدود چهل سال سابقه کار در این کارخانه دارد، به صرف اینکه به فرماندار قائم شهر گفته بود شورا کارگزار منست انجام نمی‌دهد، از کار اخراج شد و دو هفته بعد هم او را بازنشسته کردند.

مسئله‌ای که مدتی است در این کارخانه ذهن کارگران را بخود معطوف کرده، مسئله "بازنشستگی" است. چندی پیش مدیرعامل کارخانه اعلام کرد که کارگران تا اول اسفندماه بازنشسته خواهند شد و اگر کارگران شخصا تقاضای بازنشستگی نکنند، یکماه زودتر (یعنی اول بهمن ماه) بازنشسته می‌شوند.

نتیجه عملا به نفع آمریکا و ضدانقلاب تمام میشد. تا آنجا که بازنشستگان عموماً استادکاران را شامل می‌شدند، که باکنسار گذاردن یکباره آنها، کارخانه با کمبود کادر فنی مواجه میشد.

گفته‌شده است که در این کارخانه تا بحال کسی را بنام "عنوان کارآموز - برای دیدن دوره" تخصصی - استخدام نکرده‌اند و معلوم نیست که با بازنشسته شدن کادرفنی - که هر یک بیش از چهل سال سابقه کار دارند - چگونه کارخانه به حیات خود ادامه خواهد داد. خوشبختانه مدیرعامل کارخانه از کاربرکنار شده و مدیرعامل جدیدی به این سمت گمارده شده است. حال باید در انتظار اقدامات مدیرعامل جدید بود و البته فقط کارگران شاغل در کارخانه میتوانند در مورد اوقضاوت کنند.

مسئله‌ای که باعث نگرانی خاطر کارگران شده، فعالیت چندتن از سرپرستان رژیم منقور گذشته است، که پیوسته نقش عمده‌ای در ایجاد جو متشنج در کارخانه بعهد داشته‌اند. یکی از این افراد عضو ساواک منحل و دیگری شخصی است که بعنوان فرمانده چماقداران در میان کارگران شهرت دارد.

کارگران خواستار آنند که کارخانه هرچه زودتر از لوث وجود این کارگر نماها پاک شود، تا آنها بتوانند در محیطی آرام سطح تولید را به حداکثر برسانند.

در شرایطی که رژیم جنایتکار صدام به تحریک امپریالیسم آمریکا به خاک میهن ما تجاوز کرده است و قصد نابودی جمهوری اسلامی نوپای ما را دارد - سر می‌پرورد، عوامل ضد انقلاب و لیبرال‌های سازشکار ریپوسته می‌کوشند که از مبارزات کارگران تهران و آگاه جلوه‌گیری کنند. نمونه این اعمال ضد انقلابی را میتوان در کارخانه نساجی شماره ۱ و گونی بافی قائم شهر بوضوح مشاهده کرد.

در کارخانه نساجی شماره ۱، اضافه کاری فقط مختص عده خاصی است که تحت حمایت کارفرما قرار دارند. این افراد در طول هفته، چون دیگر کارگران فعالیت چشمگیری در کارخانه ندارند و از آنها برای خنثی کردن اعتراضات برحق استفاده می‌نموند. این کار به خصوص در قسمت تعمیرخانه نساجی شماره ۱ معمول است. با این ترتیب که کارگران مومن به انقلاب را شایسته می‌کنند و با برچسب "کمونیست" و "ضدانقلاب" آنها را از کارخانه اخراج می‌کنند.

بعضی از کارگران می‌توانند از دو کارگر جوان نام برد که تمام نیروی خود را صرف تولید بیشتر و تقویب روحیه انقلابی در کارگران می‌کنند. این دو نفر چندی پیش برای گرفتن وسایل ایمنی دست به اقداماتی زده بودند، با پرونده سازی که از جانب کارفرما علیه آنها صورت گرفته بود، از کار اخراج شدند، هرچند که این عمل کارفرما با اعتراض شدید کارگران مواجه شد و پس از یک روز دوباره کارگران به سرکار خود بازگشتند. در این کارخانه شرایط خفقان آوری حکمفرماست. مثلا

### در ماشین سازی اراک متأسفانه انقلاب موضع دفاعی دارد!

هدنار به مسئولین جمهوری اسلامی ایران: میزان تولید ماشین سازی اراک بطور سرسام آوری رو به کاهش است. این خفرتیست حدی برای صنایع بزرگ جمهوری اسلامی ایران، که هرچه زودتر باید جلوی آن گرفته شود.

تعمیب سیاست های غلط رژیم منحوس پهلوی، از طرف پس مانده های دولت "کام به - کام"، که اکنون در سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران لانه کرده اند، علت اصلی این نابسامانی هاست.

این سیاست در شرایط کنونی که از نظر اقتصادی وضع دشواری را می‌گردانیم و چرخ اقتصادی مملکت با پدیده خفرتی سرعت به حرکت درآید، لطفاً متنگبندی

به جا معما وارد آمده است. ماشین سازی اراک بجای اینکه هم اکنون بتواند بخش عمده ای از نیازهای صنعتی مملکت را برطرف کند (که می تواند)، روز بروز با کاهش تولید روبروست.

عدم رسیدگی به خواسته های برحق کارگران، تعقیب بنامه های غلط رژیم طاغوت و عدم برنامه ریزی صحیح جلوگیری از تشکیل انجمن های صنعتی کارگران و جلوگیری از فعالیت شورای کارکنان، ایجاد بیس و دلسردی در بین کارکنان کارخانه، با زگرداندن ساواکی های خارجی کارخانه به سرکار، روز به روز تقاضای اخراج کارکنان مبارز

و هدیق به انقلاب از طرف مسئولین شهری، همه و همه عواملی است که در پایین آمدن سطح تولید دخالت دارد.

اعمال سیاست های غلط مدیریت می تواند دعواتی بس وخیمی را در کارخانه ماشین سازی اراک برجای نهد.

ما بنا به وظیفه انقلابی خود به مسئولین مملکتی همدنار می‌دهیم که با اقدام منطقی و عاجلانه از خیم تر شدن اوضاع ما شین سازی اراک جلوگیری بعمل آورند و در جهت تحکیم جمهوری اسلامی ایران و تقویت پشت جبهه انقلاب به رفع مشکلات این کارخانه کمک کنند.

در شرایطی که رژیم جنایتکار صدام به تحریک امپریالیسم آمریکا به خاک میهن ما تجاوز کرده است و قصد نابودی جمهوری اسلامی نوپای ما را دارد - سر می‌پرورد، عوامل ضد انقلاب و لیبرال‌های سازشکار ریپوسته می‌کوشند که از مبارزات کارگران تهران و آگاه جلوه‌گیری کنند. نمونه این اعمال ضد انقلابی را میتوان در کارخانه نساجی شماره ۱ و گونی بافی قائم شهر بوضوح مشاهده کرد.

در کارخانه نساجی شماره ۱، اضافه کاری فقط مختص عده خاصی است که تحت حمایت کارفرما قرار دارند. این افراد در طول هفته، چون دیگر کارگران فعالیت چشمگیری در کارخانه ندارند و از آنها برای خنثی کردن اعتراضات برحق استفاده می‌نموند. این کار به خصوص در قسمت تعمیرخانه نساجی شماره ۱ معمول است. با این ترتیب که کارگران مومن به انقلاب را شایسته می‌کنند و با برچسب "کمونیست" و "ضدانقلاب" آنها را از کارخانه اخراج می‌کنند.

### سندیکای کارگران کفاش تهران:

### فقط شش درصد کارگاههای کفاشی زیر پوشش بیمه‌اند

سندیکای کارگران کفاش تهران و حومه، اخیراً، در ارتباط با مسئله بیمه‌های اجتماعی بیانیه‌ای انتشار داده است.

در این بیانیه، سندیکا، پس از طرح مسئله بیمه‌های اجتماعی و اهمیت آن، یادآور شده که: در تهران "از هر یکصد کارگاه کفاشی، بیش از یک کارگاه از بیمه‌های اجتماعی برخوردار نیست" و آن کارگاه‌هایی که زیر پوشش بیمه قرار دارند نیز بطور عمده با این مشکل دست‌بگریبان اند که: "کارفرمایان لیست بیمه کارگران را پرداخت نمی‌کنند".

سین در بیانیه آمده است: "یکی از علت‌های نیک با عث گشته بیمه‌های اجتماعی در منف بطور کامل پیاده نشود عدم پیگیری کارگران میباشد که لازم شد مزایای را که کارگران با داشتن دفترچه بیمه‌های اجتماعی میتوانند از آن بهرمنند کردند، برای اطلاع بیشتر کارگران ذکر نمائیم:

- ۱- استفاده از امکانات درمانی (برای خود و خانواده)
- ۲- حق از کار افتادگی و پرداخت ۷۵ درصد حقوق ذکر شده در لیست بیمه، همینطور در هنگام بیماری،
- ۳- گرفتن وام مسکن،
- ۴- دریافت حق اولاد ۱۹۰۵ ریال برای یک فرزند، دوفرزند ۲۸۱۰ ریال، بیش از دوفرزند نیز تعلق نمی‌گیرد.

برای استفاده از امتیازات و امکانات فوق‌الذکر طریق بیمه‌های اجتماعی، از کلیه کارگران کفاش دعوت مینماید: روزهای شنبه ساعت ۴/۳۰ دقیقه بعد از ظهر در جلساتی که بدین منظور تشکیل میگردد شرکت نمائید. دوستان کارگر سندیکا خانه شماست... با شرکت فعال خود در سندیکا بکوشیم تا علیه اخراج، بیکاری و... بیکارچه عمل نمائیم. با تشکر خود در سندیکا، پایه‌های سندیکا را مستحکمتر گردانیم.

### در شرکت یگاندهشت:

### برگماری مدیریت انقلابی و کار آمد، ضرورت تام دارد

شرکت یگاندهشت واقع در ۱۴۰ کیلومتری شمال شیراز (در جاده شیراز - اصفهان) مواد اولیه‌ای نظیر خیار و کوجه رنگی برای کارخانه "یک ویک" فراهم میکند. علاوه بر آن، شرکت سالانه مقداری گندم و جو و یونجه جهت فروش تولید می‌کند. همچنین شرکت برای واحد دامپروری خود علوفه نیز تامین میکند. این شرکت دارای صد هکتار باغ از انواع هلو، شلیل، آلبالو و سیب است و سالانه ۱۵۰ تن ماهی و در حدود ۲۰۰۰ راس گوسفند تولید و پرورش میدهد.

شرکت مشمول بند "ج" قانون ملی شدن قرار گرفت و فعلاً زیر پوشش دولت است. کشت در این شرکت کاملاً مکانیزه است و لی برداشت خیار و کوجه رنگی بوسیله کارگران صورت میگیرد، اما جو و گندم و یونجه با ماشین برداشت می‌شود. کارگران این شرکت، پس از انقلاب، شورتشکیل دادند. ولی در اینجایم مثل سایر شرکتهایی که بعد از انقلاب ملی شدند "دولت موقت" مدیرانی برای آنها فرستاد، شورا دچار مشکلاتی گردید. البته با همت

مشکل دیگر کارگران، نداشتن خانه است. کارگران شرکت را میتوان با وامهای کافی و مساعد موقتاً یاری رساند و گرمی از گرمای زندگی حیات بخش آنها را کشود.

در این مقطع که انقلاب عظیم ما مورد هجوم امپریالیسم آمریکا و ضد انقلاب برورده آن قرار گرفته، کارگران با همفکری نظامی آشنا شوند. کارگران مبارز شرکت آمادگی کافی جهت یاد گرفتن آموزشهای رزمی را دارند. به کمک آنها بشتابیم، گمان کار به معنای تقویت جبهه و پشت جبهه است!

کارگران مبارز ایران! در یک دست با ابزار کار و در دست دیگر با اسلحه، از زمین انقلابی دفاع کنید!

### پاره‌ای از مسئولین سازمان گسترش و نوسازی صنایع با انقلاب سرآشتی ندارند

در این کارخانه تا بحال کسی را بنام "عنوان کارآموز - برای دیدن دوره" تخصصی - استخدام نکرده‌اند و معلوم نیست که با بازنشسته شدن کادرفنی - که هر یک بیش از چهل سال سابقه کار دارند - چگونه کارخانه به حیات خود ادامه خواهد داد.

مسئله‌ای که مدتی است در این کارخانه ذهن کارگران را بخود معطوف کرده، مسئله "بازنشستگی" است. چندی پیش مدیرعامل کارخانه اعلام کرد که کارگران تا اول اسفندماه بازنشسته خواهند شد و اگر کارگران شخصا تقاضای بازنشستگی نکنند، یکماه زودتر (یعنی اول بهمن ماه) بازنشسته می‌شوند.

کارگران مبارز ایران! در یک دست با ابزار کار و در دست دیگر با اسلحه، از زمین انقلابی دفاع کنید!

در این کارخانه تا بحال کسی را بنام "عنوان کارآموز - برای دیدن دوره" تخصصی - استخدام نکرده‌اند و معلوم نیست که با بازنشسته شدن کادرفنی - که هر یک بیش از چهل سال سابقه کار دارند - چگونه کارخانه به حیات خود ادامه خواهد داد.

مسئله‌ای که مدتی است در این کارخانه ذهن کارگران را بخود معطوف کرده، مسئله "بازنشستگی" است. چندی پیش مدیرعامل کارخانه اعلام کرد که کارگران تا اول اسفندماه بازنشسته خواهند شد و اگر کارگران شخصا تقاضای بازنشستگی نکنند، یکماه زودتر (یعنی اول بهمن ماه) بازنشسته می‌شوند.

کارگران مبارز ایران! در یک دست با ابزار کار و در دست دیگر با اسلحه، از زمین انقلابی دفاع کنید!

در این کارخانه تا بحال کسی را بنام "عنوان کارآموز - برای دیدن دوره" تخصصی - استخدام نکرده‌اند و معلوم نیست که با بازنشسته شدن کادرفنی - که هر یک بیش از چهل سال سابقه کار دارند - چگونه کارخانه به حیات خود ادامه خواهد داد.

مسئله‌ای که مدتی است در این کارخانه ذهن کارگران را بخود معطوف کرده، مسئله "بازنشستگی" است. چندی پیش مدیرعامل کارخانه اعلام کرد که کارگران تا اول اسفندماه بازنشسته خواهند شد و اگر کارگران شخصا تقاضای بازنشستگی نکنند، یکماه زودتر (یعنی اول بهمن ماه) بازنشسته می‌شوند.

کارگران مبارز ایران! در یک دست با ابزار کار و در دست دیگر با اسلحه، از زمین انقلابی دفاع کنید!

### در کارخانه پلی اکریل:

روز شنبه ۲۷/۱۰/۵۹، کارگران و تکنیسین های کارگاه مرکزی کارخانه "پلی اکریل"، به مدت ۲ ساعت دست از کار کشیدند. آنها خواستار ملاقات با رئیس کارخانه و در میان گذاشتن مسائل و مشکلات خود بودند. این افراد اظهار می‌کردند که تا کنون چندین بار با مهندسی قسمت در این مورد صحبت کرده‌اند و مسائل موجود را با آنها در میان گذاشته‌اند، ولی تا کنون به این مشکلات و کمبودها رسیدگی نشده است. مسایل کارگران عبارت است از: مشکل مسکن، نداشتن کفش ایمنی، طبقه بندی مشاغل و غیره. این مشکلات نه در این قسمت، بلکه در تمامی کارخانه مطرح است.

### جان آنها را تهدید می‌کنند تضمین سلامتی کارگران در حین کار فوریت تام دارد.

مشکل مسکن نیز مسئله‌ای است که برای تمامی کارگران کشور وجود دارد. ایجاد ساختمانهای مسکونی در جوار کارخانه‌ها و مراکز تولیدی برای کارگران باید به تدریج زمینه حل این مشکل را فراهم آورد. طرح طبقه بندی مشاغل نیز، آنچنانکه اعلام شده است، در مرحله برنامه ریزی و اجرای آزمایشی است. طبق گفته وزارت کار، این طرح به مجرد تکمیل آماده شدن، در سراسر کشور اجرا خواهد شد. مسئولین نیز وظیفه دارند، تا از هر کاری که بتواند بهانه‌ای به ضد

### دربیی مطرح شدن این مسائل، عده‌ای با سوء استفاده از موقعیت، اشغال انقلابی (!) ۱۵۶ دستگاه خانه‌های مسکونی در حال اتمام کارخانه را، مطرح کردند.

خواسته‌های کارگران پلی اکریل راه حلهای مختلف دارند: بعضی از آنها را می‌توان براهتی و بدون اشغال برطرف کرد. تعدادی نیز احتیاج به برنامه ریزی و زمان دارند. البته این حق کارگران است تا خواسته‌های خود را طلب کنند و وظیفه مسئولین است، تا به آنها رسیدگی کنند. از جمله مشکلات کارگران نداشتن کفش ایمنی است. ایمنی از ضروری ترین کارهایی است که برای کارگران باید صورت داد. شرایط کار

# ویژه هیئت های هفت نفری

## نقش کلیدی هیئت های هفت نفری

این هیئت های هفت نفری در تمام مراحل مبارزه با رژیم پهلوی نقش کلیدی ایفا کرده اند. این هیئت ها در زمینه های مختلف از جمله مبارزه با فساد، اصلاحات اجتماعی، و تقویت روحیه ملیت پرستانه مردم ایران فعالیت داشته اند. این هیئت ها با استفاده از روش های نوین مبارزه، توانسته اند در جهت تحقق اهداف انقلاب اسلامی گام های مهمی بردارند.

## اهالی روستای «فرادنبه» وهیئت هفت نفری

روستای بزرگ فرادنبه، که در ۹ کیلومتری غرب شهر بروجن واقع است، ۱۲ هزار نفر جمعیت دارد. پس از پیروزی انقلاب شکوهمند ایران، قدرت بزرگ مالکان این ده، کمبیش از آن نبض اقتصادی-سیاسی این روستا را در دست داشتند. متزلزل گردید. این امر خود زمینه های برای شرکت گسترده تر دهقانان این روستا در اداره روستا فراهم کرد. توسط زحمتکاران فرادنبه شورای دهم وجود آمد، که در جهت خواست های دهقانان کم زمین و بی زمین اقدامات مثبتی انجام داد. از سوی دیگر هیئت های هفت نفری واگذاری زمین نیز به این روستا آمدند و امر تقسیم زمین های بزرگ مالکان بین روستاییان را آغاز کردند.

اقدامات مثبت هیئت هفت نفری زمین و اقدامات مثبت شورای دهم موجب خشم و وحشت بزرگ مالکان شد. بزرگ مالکان ده کوشش های فراوانی به عمل آوردند، تا فعالیت های این نهاد های انقلابی را مختل کنند و با تحریک، ایجاد آشوب و بسیج مزدوران جلوی فعالیت های هیئت های هفت نفری را بگیرند. این بزرگ مالکان، که مخالف انقلاب و جمهوری اسلامی ایرانند، اعضای هیئت هفت نفری واگذاری زمین را تهدید کردند که اگر کارهای آنان ادا نشود، با ضرب و شتم قرار خواهند گرفت. فعالیت های ضد انقلابی این مالکان و مزدوران آنان تا بدان جا رسید که یکی از اعضای «هیئت هفت نفری تقسیم زمین» از سوی این عناصر تهدید به مرگ شد.

زحمتکاران این روستا، که سال ها سال زیر ستم بزرگ مالکان قرار داشتند به پشتیبانی از هیئت هفت نفری برخاستند و خواستار محاکمه این بزرگ مالکان شدند. هیئت هفت نفری واگذاری زمین نیز پس از مشاهده اقدامات ضد انقلابی و مخرب این بزرگ مالکان، با مراجعه به دادگاه انقلاب شهرکرد، علیه این عناصر ضد انقلابی شکایت کرد.

دادگاه انقلاب شهرکرد، پس از رسیدگی به پرونده این عناصر، حکم بازداشت آنان را صادر کرد و سه تن از عوامل ضد انقلابی به نام های حسین بصیری معروف به حسین بها (یکی از شورورترین و بدنام ترین افراد روستا مزدور فئودال ها)، فریدون ربیعی، بزرگ مالک و کامیون دار و بهمن ربیعی بزرگ مالک روستا، توسط سپاهیان پاسدار دستگیر و به دادگاه انقلاب فرستاده شدند.

دهقانان روستا نیز عملاً در صحنه مقابل حضور یافته و به حمایت از هیئت هفت نفری، شکایت جمعی علیه بزرگ مالکان و ضدانقلابیان تسلیم دادگاه کردند، که در نتیجه یکی دیگر از فئودال های این روستا نیز بازداشت شد.

کشاورزان هم چنین طوماری علیه «مستکبرین فئودال ها جمع آوری کردند و خواستار دستگیری کلیه عناصر فاسد و ضد انقلابی و فئودال شدند. این مسئله دارای اهمیت منطقه ای و عمومی است، زیرا بزرگ مالکان درصدد ایجاد آشوب و تشنج هستند.

اهالی روستای فرادنبه از مقامات مسئول جمهوری اسلامی ایران می خواهند که امر واگذاری زمین ها به قوریت و به طور کامل ادامه یابد و هر نوع مشکل و سدی از پیش پای هیئت هفت نفری برداشته شود، تا بتوان ریشه های پوسیده ظلم و بیادار را در این منطقه قطع کرد.

هشیاری و نبرد و اتحاد دهقانان و همکاری نهادهای انقلابی: سپاه پاسداران، شورای ده، دادگاه انقلاب با هیئت هفت نفری، و شایسته سیدن به این هدف است.

## دهقانان می نویسند: چشم بر راه هیئت های هفت نفری هستیم

در زمان رژیم منصور طاغوتی گذشته در منطقه ما نیز بزرگ مالکی به اسم "دکتر مستوفی" که از ایلادی دربار محسوس پهلوی و همکاران آن رژیم بود، می خواست تحت عنوان "مجتمع باصطلاح" را میسروری حفظ آباد "زمین های کشتا و رزاق محروم را بزرگ و غصب کند و حتی میادرت به شکا نندن چشمه های شالیزا را هم نمود و اراضی جنگلی را نیز با قطع درختان بصورت مخروبه درآورد، که بحمد الله با وقوع انقلاب شکوهمند اسلامی مان فرار را برقرار ترجیح داد چرا که انقلاب از آن کوخ نشینان بوده کاخ نشینان و از این روجه همت شورای واگذاری زمین استان گیلان در سال گذشته مقداری از آن زمین ها به کشتا و رزاق می زمین و کم زمین اختصاص یافت و چون هنوز سطح زیادی از زمین های فوق بلااستفا ده افتاده که قابل کشت است و با حمایت ارگان های انقلابی استان می توان در آنها برنجکاری نمود و لذا عده ای نیز از افراد بی زمین و کم زمین و خوش نشین در این روستاها باقی است و از آنجا که فصل کشت در شروع می شود، در انتظار هیئت های ۷ نفره تقسیم زمین هستیم تا در این شرایط جنگ تمحیلی آمریکا بر میهن انقلابیمان درختی کورن توطئه محاصره اقتصا دیو سایر دسایس شیطان بزرگو دشمنان انقلابیمان کوشیده و هم در راه تقویت انقلاب و پشت جبهه و کسب روزی و آذوقه برای خانواده ها فعال باشیم. ما چشم براه هیئت های هفت نفری واگذاری زمین هستیم. با احترامات کثا و رزاق بی زمین و کم زمین

رو نوشت به: ۱- دفتر امام خمینی ۲- مجلس شورای اسلامی ۳- دفتر نخست وزیری

## از سخنان حجت الاسلام نورمفیدی، نماینده امام در گرگان

بین ترکمن و بلوچ و فارس درگیری ایجاد کند و چون درگیری و اختلاف سبب کاهش محصول می گردد، سرانجام بگویند تقسیم زمین باعث تشنج و کاهش محصول گردد. دوم آنها (فئودال ها) می خواهند خود فرستادن عمال خود به درون شوراهای محلی هدفش را باخواست خود هماهنگ سازند. و سوم آنکه آن ها با نسبت دادن این طرح به لامذهبی بودن، می خواهند خود دهقانان را علیه این طرح اسلامی بسیج کنند. من به عنوان یک روحانی با تمام وجود از این طرح حمایت می کنم.

## دهقانان روستاهای شیخ محله جوکندان و خواجکندی هیئت های هفت نفری تشکیل دادند

روستاهای شیخ محله جوکندان و خواجکندی هشتی تالش بروند و قانون اصلاحات ارضی را به اجرا درآوردند. قانون باید تمام و کمال اجرا شود و قیدی بران اعمال فشار بزرگ مالکان برندهای آن بسته شده بهره گردد. اراضی بایر، اراضی که به زور و با توسل به ارتباطات طاغوتی با خانواده منصور پهلوی به دست آمده، باید هر چه زودتر تحویل دهقانان شود. در مورد این گونه زمین ها هیچ گونه درنگ و تعویبی، جای شرمه نشده است. برعکس، این اراضی از جمله آن "مناطق مساعدی است که به متکام اعلام تعویق موقتی بند "ج" ادامه کار هیئت های هفت نفری در آن ها ضرور و مفید دانسته شد.

دهقانان شیخ محله جوکندان و خواجکندی هشتی در انتظارند...

## زمینهای دکتر مستوفی فراری را به دهقانان واگذار کنید!

دهقانان بی زمین و کم زمین قرا تواع هشتی طوالش خواستار تقسیم زمین های دکتر مستوفی، بزرگ مالک این منطقه، که اکنون متواری است، هستند. هیئت هفت نفری منطقه می تواند سرعاً به این مسئله رسیدگی کند.

دکتر مستوفی در دوران رژیم طاغوت نزدیک به ده هزار هکتار از زمین های قرا مختلف تواع هشتی طوالش را جهت "دامداری" و "کشاورزی" غصب کرد. این شخص با کمک فرد دیگری به کار "جنگل تراشی" نیز می پرداخت.

پس از انقلاب و به دنبال فرار دکتر مستوفی به خارج ۸۰ هکتار از زمین های تسطیح شده اراضی او توسط "شورای واگذاری زمین استان گیلان" به دهقانان واگذار گردید. هم چنین ۲۲ هکتار زمین نیز از سوی این شورا به منظور کشت محصولات دیمی به روستاییان واگذار شد. با وجود این، مباشر مالک، با مراجعه به دهقانان، از آن ها خواست که هر چه زودتر از زمین ها خارج شوند، چون گویا "دکتر" باز خواهد گشت! از سوی دیگر، شریک مالک نیز تمامی دستگاه های بولدوزر مخصوص حمل جوب را از محل برده است. در واقع عمال بزرگ مالک مشغول ارباب و خرابکاری هستند. هیئت هفت نفری باید به داد دهقانان برسد.

جا دارد که هیئت هر چه زودتر به این امر رسیدگی کند.



رو نوشت به: ۱- دفتر امام خمینی ۲- مجلس شورای اسلامی ۳- دفتر نخست وزیری

# پیام شادباش کمیته مرکزی حزب توده ایران به نمایندگان بیست و ششمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی

ایران، دوشنبه ۲۳ فوریه  
۱۳۵۹ (۴ اسفند ۱۳۵۹)  
کنگره بیست و ششم حزب  
کمونیست اتحاد شوروی در  
مسکو گشایش می یابد. به  
مناسبت این رویداد تاریخی  
پیام شادباشی از سوی کمیته  
مرکزی حزب توده ایران خطاب  
به نمایندگان این کنگره حزب  
برادر ارسال گردیده است.  
که متن آن در زیر به چاپ  
می رسد.

## به نمایندگان بیست و ششمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی رفقای عزیز!

کمیته مرکزی حزب توده ایران به مناسبت رویداد تاریخی تشکیل بیست و ششمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی، پرشورترین درودها و صمیمانه ترین آرزوهای برادرانه خود را به شما نمایندگان این کنگره یا عظمت و توسط شما، به همه کمیستهای شوروی، به همه خلق قهرمان شوروی تقدیم می دارد.

کنگره بیست و ششم در شرایطی برگزار می شود که زحمتکشان کشور زادگاه اکبر خود، زیر رهبری ستاد لنینی خود - کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی، با اجرای قراردادهای کنگره بیست و پنجم حزب، در کلیه شئون سیاسی، اقتصادی، فنی، فرهنگی و علمی و در پیکار خستگی ناپذیر برای حفظ صلح جهانی و استقلال و آزادی خلقها، به دستاوردهای درخشان تازه ای رسیده و در راه ایجاد بنیاد مادی - فنی کمونیسم کام یابند دیگری به پیش برداشته اند. کنگره های حزب کمونیست اتحاد شوروی، از هنگام بنیادگذاری این حزب، همیشه اهمیت جهانی تاریخی داشته اند و دارند. قراردادهای کنگره های حزب کمونیست اتحاد شوروی نتنها در زندگی خلقهای شوروی، بلکه در سرنوشت همه خلقهای گیتی، در پیشرفت جنبش های انقلابی کارگری و آزادیبخش ملی، در سیر تحول سراسر زندگی بین المللی، تأثیر انکارناپذیر بخشیده اند.

کنگره حاضر، که با تکیه بر قدرت عظیم مادی و معنوی ناشی از دستاوردهای دهمین برنامه پنجاه ساله رشد اقتصاد ملی اتحاد شوروی، به کار می پردازد و رهنمودهای اصولی یازدهمین برنامه پنج ساله را تعیین و استراتژی

اقتصادی حزب را برای یک دوران طولانی تر تدقیق می کند، پیش شک مرحله تازه ای برای نیل به کامیابی های بزرگتر آغاز خواهند نهاد.

پیشرفت سریع و بی سابقه اتحاد شوروی - نخستین کشور سوسیالیستی جهان، در همه عرصه های حیات مادی و معنوی خلق، بهترین نشانگر برتری های نظام سوسیالیسم و توان سازندگی این جامعه نوین بر نظام ضد بشری سرمایه داری محکوم تاریخ است. کشور زادگاه لنین، بزرگ، در پر تو نیروی سرمشق خود، در پرتو وفاداری بی خدشه به اصول مارکسیسم - لنینیسم و کاربرد خلاق و تکامل بی وقفه تئوری مارکسیستی، راهنمایی است برای همه جنبشهای انقلابی آزادیبخش جهان و همه خلقهای از بند رسته ای که در راه استقلال واقعی، آزادی، پیشرفت اجتماعی و عدالت اجتماعی، علیه امپریالیسم جهانی مبارزه می کنند.

دستاوردهای جامعه سوسیالیستی رشد یافته در افکار توده های زحمتکش جهان تحول بنیادی ایجاد کرده اند. این دستاوردها اکنون به معیاری بدل شده اند که پیشرفت اجتماعی هر کشوری را در قیاس با آنها می سنجند. همین تحول در افکار توده های جامعه است که نیروهای تاریک اندیش امپریالیسم و ارتجاع جهانی را بیش از هر زمان دیگری به هراس انداخته و موج تازه ای از هیستری و اقتراآت موزیانه دستگاه تبلیغات بورژوازی را علیه سوسیالیسم جهانی موجب شده است. در این کارزار، انواع عناصر ضد کمونیست، ضد شوروی، شبه - مارکسیستی، به ویژه ماتویستهای نیز «رادیکال های چپ نامه» که با تشخوار ساخته های مبتذل موسسات ضد کمونیستی امپریالیسم به میدان می آیند، در یک جبهه عمل می کنند. این تلاشها تا زگی ندارند. دهها سال است که دشمنان سوسیالیسم، همه ساله و همه روز، شیوه ها و وسایل تازه ای را برای تضعیف نیروی جاذبه اندیشه های سوسیالیسم و بی اعتبار ساختن دژ نیرومند صلح جهانی - کشور زادگاه اکبر بزرگ - به کار می برند. ولی علیرغم این تلاشها، اتحاد شوروی و مجموع جامعه

متحد کشورهای سوسیالیستی، در پرتو پیشرفت شگرف خود در همه عرصه های زندگی، روز به روز به نیروی پرتوان تری در دفاع از منافع حیاتی خلقهای زیر ستم در قبال تجاوزها، تهدیدها و توطئه های امپریالیسم تبدیل می شوند. اندیشه ها و دستاوردهای تاریخی اکبر، سیاست اتحاد شوروی در عرصه جهانی، اقتدار روزافزون مجموع جامعه متحد کشورهای سوسیالیستی و پشتیبانی موثر و صادقانه آنها از خلقهای رزمنده راه استقلال ملی و پیشرفت اجتماعی، عامل قاطعی هستند که امکان امپریالیسم جهاننوا را برای تجاوز و صدور رازنامه ضد - انقلاب، محدود و در مواردی غیر ممکن کرده اند.

در دوران ما، در سراسر جهان هیچ جنبش انقلابی و هیچ انقلاب مردمی پیروزمند ضد - امپریالیستی را نمی توان سراغ کرد که مستقیم یا غیر مستقیم از آرمان های اکبر، از کمک های انترناسیونالیستی و پشتیبانی موثر مادی و معنوی دولت آفریده اکبر، برخوردار شده باشد.

مردم ایران، در همان فردای پیروزی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکبر، با پیام تاریخی لنین بزرگ به خلقهای مسلمان روسیه و خاور زمین، که در آن همه قراردادهای ظالمانه تحمیلی رژیم تزاری به ایران ملغی اعلام شد، تأثیرات حیات بخش این پشتیبانی نیرومند را زودتر از آن خلقهای دیگر جهان احساس کردند.

این پشتیبانی در تمام دوران موجودیت اتحاد شوروی، در مناسباتش با خلقهای ایران و با جنبش انقلابی مردم ایران پیوسته و پیگیر ادامه داشته است. نمونه درخشان این پشتیبانی اتحاد شوروی را مردم ما در روزهای انقلاب شکرمند ضد امپریالیستی و مردمی ایران، به رهبری امام خمینی، مشاهده کردند. در آن لحظات حساس که انقلاب ایران در قبال نقشه های تجاوزکارانه امپریالیسم آمریکا با خطر جدی روبرو شده بود، لنین پرورانه، دبیرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست و مدیریت ریسه شورای عالی اتحاد شوروی، با قاطعیت تمام به پشتیبانی از ایران انقلابی برخاست و در مصاحبه

مشهور خود، خطاب به نیروهای امپریالیستی جهان و در راس آنها امپریالیسم تجاوزگر آمریکا، اعلام کرد که، اتحاد شوروی «بهاگونگی مداخله در امور داخلی ایران، از جانب هر کس، به هر شکل و تحت هر عنوان که باشد، مخالف است». «حوادث ایران جنبه کاملاً داخلی دارد و مسائل مربوط به این حوادث را خود مردم ایران باید حل و فصل کنند».

دشمنان جمهوری اسلامی ایران بی پروه می کوشند مناسبات میان ایران انقلابی و کشور زادگاه انقلاب اکبر را تیره سازند. تجربه تاریخی به مردم ایران آموخته است که هر وقت روابط میان ایران و اتحاد شوروی تیره بوده، زمینه برای اجرای نقشه های تجاوزکارانه و فعالیت غارتگرانه راززان امپریالیست هموار بوده است.

بی جهت نبود که اقدام رذیلتانه چندی پیش مشتی عناصر تبهکار، به گرداندگی عناصر خداتقلابی و ماتویست، برای حمله به سفارت اتحاد شوروی در تهران، که با قصد آشکار تیره کردن مناسبات ایران و شوروی انجام گرفت، با استقبال وسیع محافل امپریالیستی سراسر جهان روبرو شد. مردم ایران این عمل را شدیداً محکوم کردند.

سیاست اتحاد شوروی نسبت به ایران انقلابی ضد امپریالیستی، سیاست یک متحد طبیعی است، سیاست نیکوخواهانه و دوستانه است، سیاست قانع از هرگونه نشانی

غرض است، و مردم ایران بحق خواستار آند که از امکانات عظیم مادی و معنوی این کشور دوست برای اثربخش تر کردن پیکار عادلانه آنها علیه امپریالیسم، برای تسریع انقلاب و پیشرفت آن در همه ابعاد، بهره گیری لازم به عمل آید.

حزب توده ایران همیشه اعلام کرده است که دشمن اصلی انقلاب ایران امپریالیسم آمریکاست. که لحظه ای از توطئه و نقشه کشی برای سرکوب انقلاب و احیای تسلط دوزخی خود بر زمین مافارغ نیست، و مقابله با توطئه ها و عقیم گذاشتن نقشه های تجاوزکارانه چنین دشمن غداری، قطع به تیروی جبهه متحد خلق میسر خواهد بود. کم بهادان به ضرورت مبرم تشکیل این جبهه، دستاوردهای انقلاب و جمهوری اسلامی ایران را با خطر محملک روبرو میسازد.

رفقای عزیز نماینده کنگره! در این روزهای تاریخی، که کنگره بیست و ششم حزب کمونیست اتحاد شوروی برادر، به تدوین و تصویب قراردادهای تاریخی و رهنمودهای برنامه جدید رشد اقتصادی کشور مشغولست، ما کار تمربخش شما و کامیابی های هر چه بیشتر شما و همه زحمتکشان شوروی را در تحق پیروزمندانه این قراردادها و این برنامه با عظمت، برای گسترش بازم بیشتر صلح استقامت سوسیالیسم رشد یافته و ایجاد بنیاد مادی و فنی شوروی، برای مبارزه در راه صلح جهانی، آزادی، برابری واقعی و نیکیهای سراسر جامعه زحمتکش بشری، صمیمانه آرزو مندیم.

بادرود برادرانه  
کمیته مرکزی حزب توده ایران  
دبیر اول - نورالدین کیانوری

## کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی

رفقای گرامی!

با نهایت سیاست زاری از دعوت شما برای شرکت در کنگره بیست و ششم حزب کمونیست اتحاد شوروی، بعلت محدودیت های، که در زمینه خروج از کشور پدید آمده است، متأسفانه فرستادن نمایندگان این کنگره، تا این لحظه، ممکن نیست.

از این جهت به پیام شادباشی به کنگره بیست و ششم حزب شما اکتفا میوزیم و موفقیت این گردهمایی تاریخی را از صمیم قلب خواهانیم.

با درودهای رفیقانه  
کمیته مرکزی حزب توده ایران  
دبیر اول - نورالدین کیانوری  
دوم اسفند ۱۳۵۹

## مذاکره...

بقیه از صفحه ۳  
در واقع ما خود بصورت عاملی در خواهم آمد که باعث بقای نیروهای شوروی در افغانستان است. یعنی در قلب مقابل خواست خود عمل کرده ایم. مفهوم شده!

از طرف دیگر، واقعیت اینست که جمهوری دموکراتیک افغانستان، مانند جمهوری اسلامی ایران، در برابر خصومت امپریالیسم، سرگردگی آمریکا قرار گرفته است؛ هر دو کشور خواستار استقلال واقعی خود هستند؛ هر دو کشور در صدد نوسازی کشور بسود زحمتکشان و مستضعفان هستند؛ هر دو کشور در جبهه ضدامپریالیستی قرار گرفته اند. بنابراین، هر دو کشور طبعاً دوست یکدیگرند و باید دوست یکدیگر باشند. با مذاکره میتوان اختلافاتی را که احیاناً بین دو کشور موجود است، از طریق مسالمت آمیز و با حسن نیت حل کرد و بجای خصومت و ناسازگاری، دوستی و سازگاری بین دو کشور برقرار نمود. این بداست؟! و نیز مذاکره ای که منجر به قطع مداخلات مسلحانه خارجی در افغانستان گردد، مسئله دیگری

را نیز روشن خواهد کرد. بین دولت افغانستان و دولت شوروی قراردادی وجود دارد و هر دو کشور اعلام کرده اند که بر اساس این قرارداد و بنابه درخواست دولت افغانستان، نیروی مسلح شوروی برای رفع خطر تهاجم نظامی خارجی به افغانستان، وارد این کشور شده است. برخی ها این واقعیت را با دیده تردید می - نگرند و شوروی را اشتغالگری میدانند که نظیر آمریکا کشوری را بقیه مورد تجاوز قرار داده است. بسیار خوب! اگر مذاکرات تمریناتی انجام گیرد که استقلال، تمامیت ارضی و امنیت افغانستان را تأمین و تضمین کند، معلوم خواهد شد که آیا شوروی نیروهای خود را از افغانستان خارج خواهد کرد یا نه. اگر خارج کرد، آنگاه معلوم خواهد شد که شوروی اشتغالگر نیست، بلکه بعنوان کشوری حامی مبارزه آزادیبخش ضد امپریالیستی و استقلال طلبانه خلق افغانستان وارد این کشور شده و تردیدها دمرود هدف سیاست شوروی نسبت به افغانستان از بین خواهد رفت. این نظر میرسد (از لحاظ کشورها) مهمترین نتیجه مذاکرات تمریناتی با افغانستان خواهد بود که طرفدار انجام آن هستیم. بدلائلی که بر شمریم، ما با مذاکره بین

جمهوری اسلامی ایران و جمهوری دموکراتیک افغانستان موافقیم.  
**بدون اطلاع امام خمینی**  
بگذریم و برویم بر سر دیگر مطالبی که لیرالها برای تیرگه خود عنوان کرده اند. در مقاله مورد بحث، مسرانه بر این منسی تکیه شده است که، قبل از مذاکره با پرژینسکی موضوع قطع رابطه سیاسی با آمریکا مطرح نبوده است و نتیجه گرفته می شود که، بنابراین مذاکره با پرژینسکی بلا مانع بوده است!  
در واقع مطلب جالب است. انگار مسئله مذاکرات محرمانه با پرژینسکی، مربوط به مسئله رابطه یا قطع رابطه سیاسی با آمریکا بوده است. مذاکره محرمانه با پرژینسکی، شیوه انجام و محتوای آن و هدف آن، چه ربطی به مسئله رابطه یا قطع رابطه ای دارد که اساساً مدتی پس از این مذاکره، پس از تصرف لانه جاسوسی آمریکا مطرح و اجرا شد.  
جالبتر اینکه، در مقاله به تصریح اعتراف شده است که «این ملاقات بدون اطلاع و اذن امام بوده است».  
و سپس برای تیره و توجیه این «تشیاتکاری»

ادعا شده است که: «با آژمان سابقه نداشت که دولت پیشنهاد مذاکرات خود را با نظر دیپلمات خارجی و یا با کاردار سفارت آمریکا را بلا مانع امام برسانند. و آنگاه در اثبات این دعوی، مثال می آورد و می نویسد: «مجموعه مسئله ملاقات و مذاکره وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی با ساروسوس... در حالیکه نه دولت و نه شورای انقلاب و نه رهبری در این مورد، یعنی درخواست وزیر خارجه آمریکا برای ملاقات و انجام آن نظر مخالفی ابراز نداشتند و بلکه رهنمودی همدانده. یعنی اتراف می کند که این ملاقات قیاد درخواست شده بود و شورای انقلاب و امام خمینی نیز نه تنها از آن اطلاع داشته اند، بلکه امام خمینی رهنمودی هم داده اند.  
ما تا اکنون همهنوع «دفاع» دیده بودیم و اما این نوع «دفاع» را ندیده بودیم که، در اثبات یک دعوی، سند در اثبات رد آن دعوی از طرف خود مدعی ارائه شود!  
مثال دیگری که در مقاله آمده، عزیمت رمزی کلارک بسوی ایران برای انجام مذاکراتی بقصد آزادی «کرگانها» است، که به «صوبی» شورای انقلاب رسیده بود (شورائی که ۱۰ نفر بقیه در صفحه ۷

در جلسه علنی دیروز مجلس شورای اسلامی گفته شد:

مانگران این هستیم که آمریکا بنا بر این مختلف، از دریچه باز گردد

چرا وقتی امام امید مردم را میبوسد می کشیم؟

مجلس شورای اسلامی طرفدار آزادی همسرمروان جهان است.

در جلسه علنی دیروز مجلس شورای اسلامی، که برپاست حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی تشکیل شده، یکی از نمایندگان ضمن سخنانی، از اینکه آمریکا تحت لوای «آزادی» و حقوق بشر و «مبارزه با دیکتاتوری» و حتی تحت نام جمهوری اسلامی و نام مذهب، باز بر ایران حاکم شود اظهار نگرانی کرد.

در ابتدای این جلسه، علی اکبر محینوف، در خلق بیش از تصور خود از لایحه «بازسازی نیروی انسانی» به شدت انتقاد کرد و تذکراتی درباره بودجه سال ۱۳۶۰ داد.

سپس حجت الاسلام علی اکبر نافع توری که نماینده تهران و نماینده امام در «جهاد سازندگی» سخن گفت. وی ضمن اشاره به مسائل و مشکلات مربوط به جنگ، اظهار داشت که بدلیل توصیه امام خمینی، فلا در این مورد سعی نمی کند.

حجت الاسلام نافع توری گفت: «آیه ما را نگران می کند، اینست که، باز میدان آمریکا، که با قیمت خون ۷۰۰ هزار شید ما و بیش از صد هزار معلول و معلوم تر در بیرون رانده شده، از دریچه بازگردد و خطر صدور شورش ما را تهدید می کند. ما نگران آن هستیم که آمریکا باز بنام «آزادی» و تحت نام حقوق بشر و تحت لوای «مبارزه با دیکتاتوری» و «بهر حال» به عنوان مختلف وارد این مملکت شود. و حتی تحت نام جمهوری اسلامی و نام مذهب باز بر سر و کلاهش در این سرزمین پیدا شود».

حجت الاسلام نافع توری سپس گفت: «آمریکائی که در همه چیزها شکست خورده، از اولین حرکتی بعد از پیروزی انقلاب تا آخرین برهه ای را که بتوان جنگ فعلی مطرح کرد شکست خورده از طریق دیگری وارد شده، که آن خطرناکترین راه است. به نظر

به احداث غذاخا، حمام، مسجد، درمانگاه، مدرسه، عسالخانه، خانه و... اشاره کرد. سپس حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی، ضمن اشاره به نامه تسلیت نمایندگان سیستان و بلوچستان در مورد شهادت هفت تن از پاسداران انقلاب بدمت عوامل ضد انقلاب در منطقه، گفت: «همی باید آن برادرانی را که در مرزها و نقاط آشوبزده پاسداری می کنند، تقدیر و توتوت کنیم و به تصدیق»

آنگاه حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی به کودکان و خانواده های شهیدان رزمندگان فلسطین، سبیلیان و مسلمانان جنوب لبنان و شهدای عراق، که به مجلس آمدند، اشاره کرد.

رئیس مجلس، ضمن سخنان خود، این کودکان را «موتو عیالات و معرومیت مسضعان» و «گواه زورگوئی اوتواج مطلق» چون شاه حسن و سلام درویشی و شه آکان، بگین، که در پشت همه آنها امیرالیم جهار قرار دارند خواهد.

حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی آنگاه المینان داد که مجلس شورای اسلامی طرفدار آزادی همه سرمران جهان است. سپس مجلس وارد دستور شد و بحث درباره طرح چگونگی تصویب آیین نامه داخلی مجلس ادامه یافت و با اصلاحاتی به تصویب رسید. براساس این طرح، ه نفر پلماضی

با استعمار و هم با استبداد جنگیده. وی افزود: نوشته آقایان هم هنوز هست. آن جمله ای که مساجحه آقایان در آن بون هنوز هست که مقتدیون دست استعمار و استبداد را نمی شود با هم کنار گذاشت و سیاست امام سیاست غلط است و امام خارج از کشور است و شرایط کشور را نمی داند و شاید معتقد بودند به شورای سلطنت و اینکه بختیار انتخابات آزاد بکنند»

حجت الاسلام نافع توری آنگاه ضمن تاکید بر اینکه «هرگونه جسدقاری از جانب هر رسته و هر گروه که باشد جدا محکوم است»، از حوادثی که در همین زمینه در سرسرستانهای مختلف و در برخورد با شخصیت های مختلف پیش آمده است، یاد کرد و پرسید که چرا فقط حوادث مربوط به یک جریان مطرح و محکوم میشود. نافع توری در قسمت دیگری از سخنان خود گفت:

«آقایان اگر مجلس را تصویف کنید اگر سباه را تصویف کنید، فکر می کنید به سود چه کسی کار کرده اند؟ جز اینکه ملت را مایوس و آمریکا را امیدوار می کنید»

«نافع توری» که نماینده امام در جهاد سازندگی نیز هست، در پایان آماری از کارهای جهاد سازندگی در ۱۹ ماهه تاسیس را به اطلاع نمایندگان رساند. وی از جمله

من اگر ما کمترین غفلتی از خود نشان دهیم، آمریکا از آن طریق پیروز می شود و آن مسئله تره قاتکی و ایجاد یاس و ناامیدی در مردم و آنها را بر قوت کردن است. همچنین نکات مثبت انقلاب را توسط مزدوران و اناشی و یا جسی که امکان دارد ناخود آگاه در خدمت آمریکا باشند و افرادی که آگاهانه آب در آسیاب او می ریزند، طوری مطرح کردن که روح یاس در جامعه ایجاد کند و مردم را بر قوت کند»

«نافع توری سپس، ضمن اشاره به تقاضی که توسط مخالفان بزرگ جلوه داده می شود، خاطر نشان ساخت که این انتقالات لزوم هر حرکت و انقلابی را است. او گفت:

«دورا اینکه کار خوبی که انجام شد در این دو سال، نادیده گرفته می شود و اما یک تغه ضعف گرفته می شود و گاه گوه می شود و بر اساسی موضع گیری سیاسی مطرح می شود»

حجت الاسلام نافع توری، ضمن تاکید بر اینکه انقلاب ما از ابتدا با امیدواری و آغاز کرد و امام خمینی در تمام پیام هایش به مردم امید می دهد، گفت: «اما امید میدهد اما ما می آید مردم را مایوس می کنیم. این خط مایوس کننده همان خطی است که قبل از پیروزی انقلاب هم می گفت مگر می شود در آن واحد هم

مذاکره داریم تا مذاکره...

پته از صفحه ۶  
از اضاها کابینه عضو آن بودماند) ولی دولت موقت برای سلب مسئولیت عوالب این سفر از خود، طی بیانیه ای آنرا اعلام میکند و امام خمینی با انجام این مذاکرات و اصولا ورود رمزی کارزار به ایران مخالفت میکند.

در اینجا هم اولاً اصرار شده است که سفر نماینده آمریکا برای انجام مذاکرات با «صوب شوری انقلابی» و نه پنهانکارانه، بوده است و لایحه دولت موقت توجه به مسئولیت خود داشته و برای سلب مسئولیت عوالب این سفر از خود، بیانیه منتشر کرده است.

ولی این مسائله در تشکیل و انجام مذاکرات با پروژسکی انجام نگرفته است و بنابراین، نتیجه ای نمی توان گرفت جز اینکه «پنهانکاری» در این مذاکرات عمیق و برای رسیدن به هدف بودمانست که دولت موقت صلاح ندانسته که نه شورای انقلاب و نه امام خمینی از آن اطلاع یابند.

معتوای مذاکرات چه بوده؟ پروتکل آنرا منتشر کنید!

همانینا بکنار، در مذاکره اضا شده است که: «ما (لیرالی) بارها گفته ایم و لایحه رسمی که به نوت و توانایی و قدرت برخاسته از توینو اینها به خفا برخوردار باشد، آیه را که در صلاح ملت و انقلاب نیست، عمل میکند و از سر ستاری و هویداری نمی هرسد، قطعا عمل نمیکند و با صراحت حقایق را به مردم میگویند و پنهان نمیکند» که اگر جز این عمل شوند عوالبی و عوالبی و دنیا پروری از عوامل حاکم میگرد که آن فاجده ایست برای انقلاب. دولت موقت چنین عمل کرد.

«... چنین عمل نکردا اگر به صلاح ملت و انقلابی عمل میکرد، آنگاه «با صراحت حقایق را به مردم میگفت و پنهان نمیکرد و چون نکته است و پنهان کرده است، پهرتا به اصرار خود قبول دارد که «عوالمی» میکند، پنهان کردن انجام مذاکره هممانه بسا پروژسکی، نماینده آمریکا - ضمن اصلی و غدار و خونخوار انقلاب و کشور و خلق ملت از عوامل حاکم و نیز از مردم، خودخوبی و ناگرمی از عوامل حاکم» آمریکاست، که اگر به هدف می رسید، آنگاه طایفه برای انقلابی ایران بیار می آورد. ما یارها گفته ایم و تکرار کرده ایم که از

کسیون تدوین آیین نامه (که ده تقریب) اضافه شد.  
پس از آنستوال حجت الاسلام خلیفانی از وزیر راه و ترابری در مورد علت نیمه تمام ماندن جاده های اسلام آباد به ایلام، مسجد سلیمان به اهواز، جاده قومن به خخلال و میانه و تبریز، جاده کمرندی قم و اتوبان تهران - قم مطرح شد.

مهندس موسی کلاتری، وزیر راه، در پاسخ، ضمن تذکر این نکته که تمام شرکت های بزرگ خارجی پس از انقلاب دست از کار کشیدند، گفت: «در اطراف زاهدان ۴ شرکت خارجی که یکی یونانی و یکی انگلیسی بود، پناه ای که بوند کارشان را تعطیل کردند و رفتند با اینکه قیتمتی خیلی خوریم داشتند. ولی انگلیسیها بطور غیر مستقیم گفته بودند ۶ ماه دیگر وضع معلومیت چه می شود. شاید مثلا از جنگ عراق خبر داشتند یا هر دلیل دیگری».

وزیر راه سپس با ارائه آماری از راههای ساخته شده از سال ۵۱ تاکنون، متذکر شد که از سال ۵۷ تا دیماه ۵۹، ۲۳۳۰۰ کیلومتر راه در سراسر کشور ساخته شده است. وزیر راه همچنین از کمبود امکانات این وزارتخانه سخن گفت و یادآور شد که امکانات این وزارتخانه برای ساختن راه در کشور، سالانه تنها ۲۰ هزار کیلومتر است.

وزیر راه سپس، ضمن پاسخ دادن به سئوالات حجت الاسلام خلیفانی، از شرکت و وسیع کارکنان راه و ترابری کشور در جبهه های جنگ یا تجاوزگران صنایع یاد کرد و متذکر شد که بسیاری از امکانات فنی راه سازی در استانیهای جنگ زده کشور، در خدمت جنگ قرار دارد. این سئوال به حجت الاسلام خلیفانی در ارجاع گردید. جلسه آینده مجلس فردا تشکیل می شود.

جبهه های فلسطینی، فک می کشی، است. این عنوانی را باید بدور ریخته، عاویتی که بکار بستن آنها بجای است فقط خود - تقی، «دوس نامه مردم» دستور پنجم روسیه، «کویستی» (به هر عمل ضد امرالیستی، ضد قوادی و ضد کلان سرمایه داری) و از این قبیل است که رهبر «هیئت آزادی (آزادی)» فقط برای سرمایه داران بزرگ و قوادی) از همان روز جلوس بر کرسی قدرت حاکم، در اثبات «آزادیخواهی» ضد آزادی خود بکار برده و تاکنون نیز از زبانی نیقانه است.

نسخه لیرالیا، خیلی رفوق و مهربان است. متبا نیست به هر صاحب نام و نشان باقی مانده از گذشته. او بسا روی سفید می نویسد: «آیا زنده ایی بیچاره که مرگی و پیر شدمانه، موفش رسیده است که آرزو شونده»

مثلا سفید با مال قلع ویر و بیچاره که قلع در کودتای ۲۸ مرداد بهره فصال بوده و در دوران «طیخسرت» قلع و (قتله) تومای کسی میکرد و با شیخ الاسلام زاده که وزیر طاوت و صاحب نام و نشان بوده، و یا سلوا کر هالی که در طرف کتر از جوسل، در زندان جیر بمدماند را نباید آزاد کرد. اینها هم جزء ترمیم اند.

ترکیب هممانه ضعیف» «تندوان نویسنده و انصار گران» که «انقلاب اسلامی ایران را مانند سرانیز شدن قاتر و تیور یسوزین ایران گرفته اند» و باید کار بیرونه لسا یک دولت صعل و متعل و میاره» از نوع دولت موقت دری کار آید. تا این «تندوان نویسنده و آن جهان خونخوار و غارتگر و شیخو توتنه و نیز البته «تومایه» را بدست آن «دیوهرهای نثار» از زمان آزاد شده، سپاره، هزده کمیارتداز طوادیها، سرمایه داران و همه صاحب نام و نشان باقی مانده از گذشته را مورد مرحمت قرار دهنه، فزادته و «بیطرته» آنها را رونق بخشد، آنها را دوباره بر کرده عوالم و مردم «پیر نام» و نشان سوار کند... فرش «هشرو طرته» بکترانه تا عوسام باوقار و طمانینه از روی آن مجددا تشریف بیاورد و همچیز سرجهی اول خود قرار گیرد.

چنین است چهره سیاسی برزوقش لیرالیا و چنین است هدف سیاست و ضالیت سیاسی آنها. در راه این مقصود است که «هیزان» به تضارقتن به حلیه نارضائینا و به نشر سلسله مقالات «آزادی و آزادی» ادامه میدهد. با اینسه آیا یاز مع نیازی هست که پروتکل مذاکرات هممانه با پروژسکی انتشار یابد؟ آری تا بیشتر معلوم شود که چگونه برای انقلاب ایران طرح «طایفه» می ریخته اند.

زبانده و بیچاره اختصاصی به طوادیها و سلواکیا و ترمیم شده های دشمنان ندارد. پس از اینکه شما فبیدید که دوستان انقلاب نیز میتوانند مانند «طوادیها» و «سلواکیه» حلیه نارضائینا را بهم برزند و جزء «طوادیها» باشند، آنگاه میروارند به انجام «کار اول»

میگویند: «شکایات انواع مختلف دارد. مقدم کسی از آنها از کششکن کسانان در جبهه های جنگ و از یگاری و گرسنگی و گران و از سختی طبی انقلاب است... حرشکایات و ترمیمی جنگ میشود، درانه، اما قسمت عمده شکایات از بیادگری است که انقلاب و اسلامی صورت چلا خونخوار، غارتگر و شیخو توتنه یا یگانه مهمم در آورده است»

این جلاان خونخوار و غارتگر و شیخو توتنه کینانده آنها ای که بتیتمه منجسی بزرگان «با جهه انتظوریانه و میلهزه با فوادیها و سرمایه داران...» به یک نرسه نشان میزنند، یانه کردن بر نامه های مارکسیستی، ترمیمی زشتی و ضد انقلاب و ضد اسلام سازی... ازین بردن دیده اقتصادی کشور و مردم، یعنی آمادگی برای بلایمنشمن از طرف ایر قوتله»

پس برای اینکه برنامه «مارکسیستی» یاده نشود، ترمیمی زشتی نشود و بنیة اقتصادی کشور مردم از بین نرود، باید از «میلوز» با فوادیها و سرمایه داران دست کشید و این، به نظر نویسنده راه دفع خطر «بلایمنشمن از طرف ایر قوتله» است. بهمانگونه که در زمان شاه ملون بلایمنه شده بودا

رئیس دولت موقت، که از ابتدا پنهان مخالفت با «تقریب» یا پاکسازی دستگاه دولتی بلزمانده از طاوت مخالف بود، اینک دیگر مخالفت خود را با «لایحه» پیشنهادی دولت چنین بیان میکند: «اگر قوتون مظلوم هم به مملکت حمله کرده بود، اینطور دوری قوتون مظلوم مردم (بومی نمی افتاد. همچین با گران و شکایات نشانده هر صاحب نام و نشان باقی مانده از گذشته»

بدینسان، در مفهوم «مردم» که مورد تیشخون جلاان و قوتون مظلوم (دولت) قرار گرفته اند، غیر از فوادیها و سرمایه داران، کارمندان طاوتی و هر صاحب نام و نشان باقی مانده از گذشته قرار میگیرند. از تقاضای دیگری که، به نظر لیرالیا، ماه جلاان و غارتگران و شیخو توتنه ترنم ترکیب می شوند، بکار بستن صنوین مختلفی از قبیل انتظاری، متاقل، ملی گره ملی، لیرالیا سزاشکاره، صدق، غربی زنده، امریکائی،

دو حال خارج نیست: یا مذاکرات هممانه بسا پروژسکی، بر خلاف قاعده عمومی و متخلفانه پذیر مذاکرات رسمی، بدون پروتکل و ثبت مذاکرات انجام گرفته، که در این صورت این مذاکرات نمی تواند است چیزی باشد جز زودنده دولت آمریکا با کسانی که از انقلاب ایران «شیخو» بودند و میخواستند آبروترا بپوشی بزرگداشت. یانه، این مذاکرات دارای پروتکل است و مذاکرات ثبت شده، و در این صورت مدعیان انجام عمل در راه صلاح ملت و انقلاب باید آنرا عینا منتشر کنند تا «صراحت حقایق را به مردم» گفته باشند و صحت ادعای خود را اثبات کنند.

چهره سیاسی لیرالیا

ولی چهره سیاسی لیرالیا، که بلافاصله بعد از انقلاب «بیطرته» شدند و اکنون دیگر با انقلاب مخالف و «جهاد صعلی» ضد انقلاب و بازگشت امیرالیسی، بسر کردگی آمریکاستمانه بتدکاتی روشن است و برای روشن کردن آن شاید احتیاج چندانی به پروتکل مذاکرات هممانه با پروژسکی نباشد.

این چهره را بوضوح میتوان در آئینه مقاله ای دیده که بقلم مهندس بزرگان و با مناسبت شخص ایشان زیر عنوان «دریایه» برشته ترمیمی زنده و در روزنامه «هیزان» شماره نهم بهمن ماه انتشار یافته است. این چهره برزوقش است. به آن بنگرم.

در آغاز مقال می نویسد: امام در اجتماع اخیر نمایندگان مجلس، که برای ترمیم میلاد رسول اکرم و امام صادق علیه السلام رونق داده، تاکید فرمودند که مردم را امیدوار سزایند.

و ایشان بسبب خودشان قلم بدست میگیرند و مردم را «طیخوار» می سازند که انقلاب اسلامی ایران از جهیز منول و قاتر و تیور برشته است. ابتدا می نویسد که: امیدوار کردن در مرحله دارد: (۱) از نارضائی و ناامیدی در آوردن (۲) دنگرم کردن و امیدوار کردن...»

سپس می نویسد: «هن میخوام کار اول را بکنم» اظهار عقیده میکند که: با انجام کار اول «به مرحله دوم شاید احتیاج نیکنده. آنگاه می بردازد به «کار اول»، که «نارضائی و ناامیدی در آوردن است». ولی قبل از شروع «کار اول»، ابتدا طی میکند که، هر کس حلیه نارضائینا را بهم برزند، ضد انقلابی نیست! می نویسد: «ناراضائینا، قوتندنا و فحش دهها

به مناسبت برگزاری کنفرانس بیست و ششم حزب کمونیست اتحاد شوروی

دستاوردهای بزرگ اتحاد شوروی

(در دوران بین کنفرانس ۲۶۹۲۵ حزب کمونیست اتحاد شوروی)

در دورانی که از کنگره بیست و ششم حزب کمونیست اتحاد شوروی میگذرد، خلق شوروی، زیر رهبری آزموه حزب لنین خود، دستاوردهای شگرفی در زمینه ایجاد پایه مادی - فنی کمونیسم و افزایش بهره‌وری مردم شوروی نایل شده است.

سرمايه‌گذاري را در اقتصاد ملي تشكيل ميدهد. در اين مدت ۱۸۸ ميليون تراكور، ۱۳۳ ميليون كاميون، ۵۴۰ هزار كاميون و ۴۰۰ ميليون تن كودكاني به كشاورزي واگذار شد. شريف‌تجيزين ارزوي در كشاورزي (نسبت مجموع مصرف‌انرژي به شماره كارگران كشاورزي) ۴۰ درصد بالا رفت. ميانگين برداشت سالانه غلات نهمين بار به ۲۰۰ ميليون تن رسيد.

سرمايه‌گذاري شد. صندوق پايه (اصطلاح سوسياليستي معادل سرمايه ثابت) در شيوه توليد سرمايه‌گذاري) ۴۰ درصد افزايش يافت.

يافت. \* صندوق مصرف اجتماعي، كه آموزش، بهداشت، بازتسكي و ديگر مزايای اجتماعي را يگان از منبع آن معين ميشود به ۵۲۷ ميليارد روبل رسيد. پرداختها و كمك‌هزينه‌های سرانه از بابت صندوق مصرف اجتماعي از ۳۵۴ روبل در سال ۱۹۷۵ به ۴۳۸ روبل در سال ۱۹۸۰ افزايش يافت.

\* در خانه‌سازي ۸۷۲ ميليارد روبل سرمايه‌گذاري شد و ۵۳۰ ميليون متر مربع زمين را دربر گرفت. شرايط زندگي ۵۰ ميليون شهروند شوروي بهبود پذيرفت. در حدود ۸۰ درصد سكه شهرها اينك در خانه‌های جداگانه زندگي ميكنند.

\* آموزش متوسطه همگاني تحقق پذيرفت. دوازده ميليون و نيم نوجوان به حرفه‌آموزي مشغول بودند. در مدارس عالی و متوسطه تخصصي ۱۰ ميليون متخصص آموزش يافتند.

\* در زمينه بهداشت و بزمي، شماره پزشكان از ۸۳۴ هزار در سال ۱۹۷۵ به ۱ ميليون در سال ۱۹۸۰ افزايش يافت. درهين سنده، شماره تختخوابي بيمارستان به نسبت هر هزار شهروند از ۱۱۸ به ۱۷۵ رسيد.

در اتحاد شوروي: \* در مقايسه با برنامه پنجساله نهم، درآمد ملي ۴۰۰ ميليارد روبل افزايش يافت. چهارهجم درآمد ملي به صنایع مستقيم اهالي، خانه‌سازي و ايجاد تسهيلات اجتماعي و فرهنگي تخصيص داده شد. \* توليد صنعتي به ميزان ۲۱۷ هزار ميليون روبل فزوني گرفت. بيشتري از ۱۲۰۰ پيگانه بزرگ صنعتي احداث شد. \* توليد كشاورزي ۵۰ هزار ميليون روبل افزايش يافت. در كشاورزي بيشتري از ۱۷۰ ميليارد روبل سرمايه‌گذاري شد، كه ۲۷ درصد مجموع

تشديد قوت‌های آمریکا علیه کوبا. توطئه امپریالیسم آمریکایی علیه کوبای انقلابی شدت گرفته است. روزنامه‌های آمریکایی به نقل از یونایتد پرس خبر دادند که فعالیت‌های سازمان‌های تروریستی کوبایی در بیامی آمریکا افزایش یافته است. و رهبران این سازمانها، از جمله سازمان تروریستی «آلفا - ۶۶»، اکنون آشکارا از طرح‌های جاسپیکارانه خود، از جمله تهیه نظامی به کوبا سخن می‌گویند. منابع آگاه در بیامی گفتند که سازمان پلیسی «اف - سی - آی» در فعالیت‌های تازه این سازمان‌های تروریستی و تأمین مالی آنها و آموزش تروریستها نقش اساسی دارد.



کشایش بیست و ششمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی

امروز بیست و ششمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی در مسکو گشایش می‌یابد. در فاصله میان کنگره ۲۵ در سال ۱۹۷۱ (۱۳۵۴) تا کنگره ۲۶، بیست و ششمین کنگره، هفتصد هزار نفر به شمار اعضای حزب کمونیست اتحاد شوروی افزوده شده است. سه پنجم اعضای جدید حزب را کارگران تشکیل میدهند.

در کنگره ۲۶ حزب کمونیست اتحاد شوروی، هیئتهای نمایندگی از ۱۰۰ حزب کمونیست و کارگری و جنبشی جهانی فکشی ملی از سراسر جهان بعنوان میهمان شرکت دارند. اظهار نظر میهمانان شرکت‌کننده در بیست و ششمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی

میباشد، دبیرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست سریلانکا، که در راس هیئت نمایندگی این حزب در بیست و ششمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی شرکت دارد، در یک مصاحبه مطبوعاتی اظهار داشت:

سیاست خارجی دولت شوروی به استحکام مبانی صلح کمک میکند. افزایش توان اقتصادی اتحاد شوروی، برای کمک‌های اقتصادی وسیعتر به کشورهای درحال توسعه، امکانات بیشتری بوجود می‌آورد. قدرت اقتصادی اتحاد شوروی موجب استحکام و پایداری صلح جهانی است.

فلورا کس، دبیرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست یونان طی مصاحبه‌ای در مرکز مطبوعاتی بیست و ششمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی، طرح آمریکایی استقرار سلاح نوترونی در خاک یونان را محکوم کرد. وی گفت: «استقرار سلاح نوترونی در خاک اروپا موجب نگرانی همه خلقهای اروپاست»

بیرو کارمل، دبیرکل حزب دمکراتیک خلق افغانستان، که در راس هیئت نمایندگی حزب و دولت جمهوری دمکراتیک افغانستان در بیست و ششمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی شرکت میکند، طی یک مصاحبه مطبوعاتی در مسکو، در پاسخ به پرسش خبرنگاران درباره دورنمای عادی کردن مناسبات افغانستان با کشورهای پاکستان و ایران، تأکید کرد که دولت افغانستان در هر لحظه آماده است با مقامات دولتی جمهوری اسلامی ایران و پاکستان برای عادی کردن این روابط به مذاکره بنشیند.

درگیری و تشنج در قزوین در دومین سالگرد انقلاب

عدهای ناشناس عصر روز ۲۱ بیستم ماه سال جاری به منظور ایجاد درگیری، به نمایشگاههای که به مناسبت دومین سالگرد انقلاب در نقاط مختلف شهر قزوین برپا شده بود، حمله کردند. آنها ابتدا به نمایشگاهی که توسط کانون دانش‌آموزان ایران برپا شده بود حمله کردند، ولی حیثیاری مسئولین این نمایشگاه، مانع از ایجاد درگیری شد. این عده سپس به نمایشگاه «مجاهدین خلق» حمله کردند، که متأسفانه پدینالواکنش نادرست میمجاهدین، درگیری بوجود آمد و منجر به درهم‌ریختن نمایشگاه «مجاهدین» گردید. در حین درگیری یک تن نیز شلیک شد که طرفین، شلیک آن را به یکدیگر نسبت دادند. سپس درگیری به خیابان خیام، که در آنجا میمجاهدین خلق، نمایشگاه و دستفروشی داشتند، کشیده شد. در این خیابان هواداران فدائیان خلق (اکثریت) نیز نمایشگاه داشتند و آذین‌بندی کرده بودند، که با حیثیاری مسئولین نمایشگاه، از درگیری

«لوح افتخار» را کامل کنیم

به مناسبت ۱۴ بهمن، روز شهیدان حزب و جنبش، متذکر شده بودیم که «لوح افتخار» کامل نیست و از همه مردم قهرمان ایران، از همه انقلابیون ایران، از همه رفا و هواداران حزب توده ایران، تقاضا کرده بودیم که نام و عکس شهیدانی را که در «لوح افتخار» نیامده است، برای ما بفرستند. این نامه‌های تازه بر «لوح افتخار» افزوده شد. ماست: رفیق محمدعلی گلرگر را در ۲۶ فروردین ۱۳۳۰، در خیابان رژیم شاه میان دو واگن قطار گذاشتند و به شهادت رساندند. رفیق میرکاف علم، فرماندار شهرستان مرند، در سال ۱۳۲۵ به شهادت رسید. از چگونگی شهادت این رفیق اطلاع در دست نیست. رفاقی که اطلاع دارند، ما را باخبر سازند. رفیق شوقی‌حاجی رئیس مقدم، در ۲۸ بهمن ۱۳۳۸، در زیر شکبه، در زندان قصر به شهادت رسید. رفیق خورن قاراخانلی در سال ۱۳۳۴ به شهادت رسید. از چگونگی شهادت این رفیق خبری در دست نیست. رفاقی که اطلاع دارند، ما را باخبر کنند. \* \* \* با تشکر فراوان از رفاقی که نامه‌های بالا را در اختیار ما گذاشته‌اند، یار دیگر تقاضای خود را در این زمینه تکرار می‌کنیم.

کمک مالی به حزب توده ایران

از پول قلم صد و اولدوز از قوه کردستان ۳۰۰۰۰ ریال ناییدت ۵۰۰۰۰ ریال کمال ن ۲۰۰۰۰ ریال هواداران حزب در حسین آباد ۱۰۰۰۰۰ ریال امین دانش آموز خردسال (بسا) فروش دفترچه ۲۵۰ ریال نمکی، از شیراز ۲۰۰۰۰ ریال ج از جالوس ۱۰۰۰۰۰ ریال

تلمه مرموز از گمان مرکزی حزب توده ایران. دارنده امتیاز و مدیر مسئول: منوچهر بیزادی. خلیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸ (دفتر نامه مردم) هنوز در اختیار نامه مردم نیست. NAMEH MARDOM No. 451 23 February 1981. Price: West-Germany 0.80 DM, France 2 Fr., Austria 8 Sch., England 20 P., Belgium 10 Fr., Italy 350 L., U.S.A. 40 Cts, Sweden 1.50 Skr. خوانندگان گرامی نامه مردم و همه مقامات دولتی و غیر دولتی میتوانند به آدرسی زیر با نامه مردم همکاری کنند. صندوق پستی ۱۴/۳۵۵۱، منطقه ۱۴ پستی تهران